

وَطَيْفِرًا لَا تَأْمُرُ

فِي

زَيْنِ كَيْبَرٍ، لَا تَأْمُرُ عَلَيْهِ

تَأْلِيفٌ

حُجَّةُ الْإِسْلَامِ وَأَسْرَمِيْنِ

سَيِّدِنَا الْحَاجِّ مِيرَا مُحَمَّدِي الْمَوْسَوِي الْأَصْفَهَانِي

جُزْءٌ أَوَّلٌ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، والصلوة والسلام على خاتم المرسلين
و آله المعصومين ، ولا سيما امام زماننا خاتم الوصيين ، ولعنة الله
على اعدائهم اجمعين ابد الابدين .

(اما بعد غريق امال و امانی محمد تقی بن عبدالرزاق الموسوی
الاصفهانى عفى الله تعالى عنهما بعرض برادران ایمانی میرساند که
حقیر جمع نموده در این مختصر جملهای از اعمالی را که وظیفه
مؤمنین است در زمان غائب بودن امام زمان صلوات الله علیه یعنی
حضرت حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن
جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب علیهم
السلام و آن بیست و پنج امر است (۱) که مؤمنین را سزاوار است
مواظبت و عمل بآنها و نامیدم آن را بکتاب :

وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام

و من الله التوفیق ، .

۱ - تذکره مجموع وظائفی که مرحوم مؤلف جمع آوری کرده
پنجاه و چهار امر میباشد ، که باقیمانده آن را در جزء دوم کتاب که
از صفحه شروع میشود ذکر فرموده است .

" ناشر "

اول : غمگین بودن بجهت مفارقت آنجناب و مظلومیت آنحضرت، در کافی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" کسیکه مهموم باشد برای ما و غمناک باشد بجهت مظلومیت ما نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد
دوم : منتظر فرج و ظهور آنحضرت بودن ، در کمال الدین از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول که فرمود :
" قائم ما آن مهدیست که واجب است در زمان غائب بودن او انتظار " او را داشتن ، و او سومی از اولاد من است ، تا آخر حدیث .. (۱)
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که :
" افضل عبادتها انتظار فرج است . " (۲)
و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که :

" هر مؤمنی که بمیرد در حالیکه منتظر ظهور آنجناب باشد مثل " آنستکه درخیمه " حضرت قائم علیه السلام بوده باشد . (۳)
و حقیر تفصیل این مطلب و سایر اعمال را در کتاب مکیال المکارم ذکر نموده ام .
سوم - گریه کردن در دوری آنحضرت و بجهت مصیبت آنجناب در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمودند :

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ، ج ۲ ص ۳۷۷ .

۲ - تحف العقول ، ص ۲۵۱ .

۳ - بحار ج ۵۲ ص ۱۲۵ .

"بخدا قسم غائب میشود امام شما زمانی از روزگار
و آزموده میشوند تا آنکه گفته میشود مرد یا
هلاک شد و بکدام وادی رفت و هر آینه گریان
میشود بر او چشمهای موءمنان. (۱)
و از حضرت رضا علیه السلام مرویست که:

"هر موءمنی یاد کند مصیبت ما را - یعنی مصیبت
هر یک از پیغمبر و ائمه علیهم السلام را - پس
گریه کند یا بگریاند کسی را بجهت ظلمی که بر ما
شده با ما میباشد در درجهٔ ما روز قیامت.

چهارم - آنکه: تسلیم و انقیاد داشته باشد برای امر امام و
عجله نکند - یعنی چون و چرا در امر ظهور آنجناب نکند و آنچه
از جانب آنحضرت میرسد صحیح و مطابقت حکمت بداند - در کمال
الدین از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویستکه فرمود:
"امام بعد از من پسر من علی است امر او امر من
است و قول او قول من، و طاعت او طاعت من، و
امام بعد از او پسر او حسن است امر او امر پدر
است و قول او قول پدرش و طاعت او طاعت پدرش
آنگاه ساکت شدند را وی گوید گفتم: یا بن رسول
الله صلی الله علیه و آله پس کیست امام بعد از
حسن؟ حضرت گریه شدیدی کردند آنگاه فرمودند:
امام بعد از امام حسن عسکری پسر او قائم منتظر
است، گفتم: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله چرا
او را قائم گویند؟ فرمود:

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۴۷.

برای آنکه قائم میشود بعد از آنکه ذکر او مرده باشد و بیشتر قائلین با ما همتش مرتد شوند ، گفتم : چرا او را منتظر نامیدند ؟ فرمودند : بجهت آنکه برای او غائب شد نیست که روزهای آن بسیار باشد و زمان غائب بودنش دراز میشود . پس ، مخلصان انتظار خروج او کشند ، و شک کنندگان او را انکار کنند و منکران بذکر او استهزاء کنند و کسانی که وقت برای ظهورش " معین کنند دروغ گو باشند ، و عجل مکنندگان هلاک شوند و تسلیم کنندگان نجات یابند . (۱)

پنجم - آنکه : بمال خود ، آنحضرت راضی کنند - یعنی هدیه نمایند - در کافی از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمودند : " هیچ چیز محبوبتر نیست نزد خدا از صرف نمودن مال برای امام ، و بدرستی که خداوند در عوض یک در هم که مؤمن از مال خود بمصرف امام برساند به اندازه کوه احد در بهشت باو عطا میفرماید ، آنگاه فرمود : که حقتعالی در قرآن فرموده : " من الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له ما ضاعافاً کثیرة " - یعنی کیست آنکسی که بخدا قرض الحسنه بدهد تا خداوند چندان برابرها باو عوض دهد - فرمود : بخدا قسم این آیه بخصوص در صلح کردن امام بمال نازل شد . (۲)

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۷۸ .

۲ - اصول کافی ج ۱ ص ۵۳۷ . و آیه شریفه در سوره البقره

و در این زمان که آنجناب غائب هستند ، صرف کند مؤمن آنمالی را که میخواهد هدیه وصله برای آنجناب کند در مصرفی که میداند رضای امام رادر آن ، مثل آنکه بصالحین از دوستان آنحضرت دهد به این قصد .

در بحار از کامل الزیاره منقول است که : حضرت امام موسی علیه السلام فرمودند :

" هر کس نتواند بزیارت ما بیاید باید زیارت کند صالحین از دوستان ما را تا ثواب زیارت ما برایش نوشته شود ، و هر کس نتواند صلّه نماید ما را باید صلّه کند نیکان از دوستان ما را تا ثواب صلّه نمودن ما برایش نوشته شود . (۱)

ششم - صدقه دادن بقصد سلامت آنجناب چنانچه در نجم ثاقب ذکر فرموده اند . (۲)

هفتم - شناختن صفات آنحضرت و عزم بر یاری آنجناب در هر حال داشتن و در فراقش ندبه و زاری کردن (۳)

هشتم - طلب معرفت آنحضرت را از جناب اقدس الهی نمودن . و این دعاء که در کافی و کمال الدین و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده بخواند :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ
لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن
لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي

۱ - کامل الزیارات ص ۳۱۹ .

۲ - نجم الثاقب ، ص ۴۴۲ .

۳ - نجم الثاقب ، ص ۴۲۴ .

حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ

دینی . (۱)

نهم - مداومت باین دعاء نمودن که در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده : يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ . (۲)

دهم - اگر بتواند قربانی کند بنیابت آنحضرت چنانچه در

نجم ثاقب فرموده .

یازدهم - اسم اصلی آنحضرت که اسم حضرت رسول صلی الله علیه وآله است نگویند بلکه آنحضرت را به لقب یاد کنند مثل : قائم ، ومنتظر ، و حجت ، و مهدی ، و امام غائب ، و غیر آنها ، و در اخبار متعدده فرموده اند که بردن نام آنحضرت حرام است در زمان غیبت . (۳)

دوازدهم - برخواستن بجهت احترام نام آن بزرگوار خصوص

اسم قائم ، چنانچه درنجم ثاقب فرموده اند . (۴)

سیزدهم - مهیا کردن اسلحه جنگ هر چه بتواند برای

جهاد با دشمنان در رکاب آنجناب ، در بحار از غیبت نعمانی منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند :

"باید مهیا نماید هر یک از شما برای ظهور حضرت

قائم الت حربی اگر چه یک تیر باشد ، امید است

همینکه این نیت را داشته باشد حق تعالی او را از

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۴۲ .

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۵۲ .

۳ - اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۲ چهار حدیث نقل شده است .

۴ - نجم الثاقب ، ص ۴۴۴ .

اصحاب و یاران او قرار دهد."

چهاردهم - در مهمات بآنحضرت متوسل شود و عریضه^۱ توسل

ببند آورد. چنانچه در مجلد بیست و دوم بحار منقول است. (۱)

پانزدهم - در دعا کردن خدا را بحق آنحضرت قسم دهد

و آن جناب را شفیع گرداند. چنانچه در کمال الدین منقول است.

شانزدهم - آنکه بر دین قویم ثابت باشند و دنبال صداها و

مزخرفاتی که از هر گوشه‌ای بلند میشوند نروند زیرا که تا خروج سفیانی

وصیحه^۲ آسمانی بلند نشود ظهور امام علیه السلام واقع نمیشود، در

جمله اخبار وارد شده که:

"ساکن باشید مادامیکه آسمان ساکت است از نداء"

باسم صاحب الامر علیه السلام و زمین ساکن است

از فرو بردن لشکر سفیانی" (۲)

و در بحار از غیبت شیخ طوسی از حضرت امام رضا علیه السلام مروی

است که:

"سه نداء از آسمان بلند میشود که همه کس میشوند

و این نداها در ماه رجب ظاهر میشود اول: **الْأَلَعْنَةُ**

اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، دوم: **أَزْفَةُ الْأَزْفَةِ يَا مَعْشَرَ**

الْمُؤْمِنِينَ، سیم: می بینید بدنی محاذی خورشید

و نداء میشود: این است امیرالمؤمنین بتحقیق

برگشته برای هلاک نمودن ظالمان" (۳)

و در حدیث دیگر وارد شده که:

۱ - بحار ج ۹۴ ص ۲۹.

۲ - بحار ج ۵۲ ص ۱۸۹.

۳ - بحار ج ۵۲ ص ۲۸۹.

"جبرئیل در بیست و سیم ماه رمضان نداء میکند
ندائی که همه خلایق میشوند: که: حق با علی
و شیعیان اوست، و در آخر روز شیطان نداء میکند
که: حق با عثمان و شیعیان اوست، و ندای دیگر
میکند جبرئیل که همه خلایق میشوند که: حضرت
مهدی علیه السلام ظهیر نموده او را متابعت
کنید. (۱)

و در کمال الدین منقولست که:

"اول کسی که با امام زمان علیه السلام بیعت میکند
جبرئیل است. آنگاه یک پای بر بیت الله میگذارد
و یک پای بر بیت المقدس و نداء میکند بندائی
که همه خلایق میشوند: اتی امز اللغلا تستعجلوه (۲)

و در حدیث دیگر فرمود که:

"چون آنجناب علیه السلام ظاهر شود خداوند
بادی را امر میفرماید که در هر وادی نداء میکند:
این مهدی است که حکم میکند بقضاء داود و
سلیمان و شاهد طلب نمیکند" (۳)

هفدهم - با مردمان روزگار بسیار معاشرت و آمد رفت ننماید،
در کمال الدین از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است
که فرمودند:

"میآید بر مردم زمانی که امام آنها غائب میشود
خوشا بحال آنها که ثابت باشند بر امر ما در آن
زمان کمتر چیزی که برای آنها است از ثواب این

۱ - بحار ج ۵۲ ص ۲۳۰.

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۶۷۱.

۳ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۶۷۱.

است که خداوند آنها را نداء میفرماید که ای
بندگان من و کنیزان من ایمان اوری دید بسر
من و تصدیق نمودید حجت غائب مرا بشارت باد
شما را به نیکوئی ثواب، از شما قبول میکنم اعمال
خوب را و عفو میکنم از اعمال بد شما، و میآمرزم
گناهان شما را، و ببرکات شما باران میبارم بر
بندگانم و دفع بلاء از آنها میکنم، اگر شما نبودید
بر آنها عذاب میفرستادم"

راوی پرسید کدام عمل است افضل اعمال مؤمن در آن زمان؟ فرمود:
"نگاه داشتن زبان، و ماندن در خانه خود" (۱)

یعنی بدون ضرورت با مردم دنیا معاشرت و رفت آمد نکند که
او را از یاد امامش باز دارد.

هجدهم - صلوات فرستادن بر آنحضرت بنحویکه ذکر میشود
انشاءالله تعالی.

نوزدهم - ذکر نمودن فضائل و کمالات آنحضرت را زیرا که
آنجناب ولی نعمت و واسطه در جمیع نعمتهای خدا است که بما
میرسد، چنانچه در کتاب مکیال المکارم بیان نموده‌ام. و یک نوع
از شکر ولی نعمت و واسطه نعمت، گفتن فضائل و کمالات و احسان
اوست، چنانچه در مکارم الاخلاق از حضرت سید الساجدین علیه
السلام روایت نموده است. (۲)

بیستم - اظهار شوق نمودن بزیارت جمال مبارک او از روی
واقع و حقیقت، چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۲۳۵.

۲ - مکارم الاخلاق طبرسی ص ۴۲۲.

بسینه خود میکردند و آه میکشیدند و اظهار شوق بلقay امام دوازدهم میکردند. (۱)

بیست و یکم - مردم را بسوی معرفت آنجناب و خدمت بآن بزرگواران دعوت نمودن ، در کافی از سلیمان بن خالد مرویستکه به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : مرا اهل بیته است و آنها سخن مرا میشنوند آیا دعوت کنم آنها را بسوی این امر ؟ فرمودند : " بلی خدا میفرماید در کتاب خودش : " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ، یعنی بای موءمنین نگاه دارید خودتان و کسان خودتان را از آتش کیرینه آن مردمند و سنگها " (۲)

بیست و دوم - صبر کردن بر سختیها و اذیت اعداء و سرزنش نمودن دشمنان دین در زمان غیبت آنجناب ، در کمال الدین از حضرت سیدالشهداء علیه السلام مرویست که فرموده :

" هر موءمنی که صبر کند در زمان غایب بودن امام دوازدهم بر اذیت و تکذیب دشمنان بعنزله کسی است که جهاد کرده باشد با کفار در خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله " (۳)

بیست و سوم - هدیه نمودن اعمال صالحه خود را مانند قرائت قرآن و غیره از برای آنحضرت .

بیست و چهارم - زیارت نمودن آنحضرت ، و این دو اختصاص

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۲۹۱ .

۲ - سوره التحريم ، آیه ۶ .

۳ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۱۷ .

با حضرت ندارد بلکه نسبت به جمیع ائمه علیهم السلام وارد شده .
 بیست و پنجم - دعاء کردن بوجود مبارک آن بزرگوار و طلب
 فتح و نصرت و ظهور آنجناب را از خدا نمودن، و برای این عمل فوائد
 و ثمرات بسیار از اخبار ائمه اطهار جمع نموده ام و در کتاب ابواب
 الجنات فی آداب الجمعات که فارسی است و مکالم المکارم فی
 فوائد الدعاء للقاء علیهم السلام که عربی است ذکر نموده ام ، و
 در توقیع شریف مروی در احتجاج از آنحضرت روایت شده که :
 " بسیار دعاء کنید به تعجیل فرج من زیرا که
 گشایش و فرج شما بآن است . (۱)

و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرویست که :

" این دعاء - یعنی طلب فرج و ظهور آن جناب
 را از خداوند عالم نمودن - باعث ثبوت برایمان
 است . (۲)

و ادعیه منقوله از ائمه علیهم السلام در خصوص آنحضرت
 بسیار است و حقیر در این مختصر پنج دعا ذکر میکنم :
 اول - در فقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست
 که :

" بعد از هر نماز واجب این دعاء را بخوان :
 " رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا " وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا " وَ بِالْقُرْآنِ
 كِتَابًا " وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا " وَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيًّا "
 وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ

۱ - الاحتجاج ج ۲ ص ۲۸۴ .

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۲۸۴ .

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ
 وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ائِمَّةَ ، اَللّهُمَّ وَلِيكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ
 وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ اَمُدِّدْ لَهُ فِي عَمْرِهِ وَ اجْعَلْهُ
 الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ الْمُسْتَنْصِرَ لِدِينِكَ وَ اَرْمَايُحِبُّ وَ تُقْرِبُهُ
 عَيْنَهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي اَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ
 وَ فِي عَدُوِّهِ وَ اَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ اَرِهِمْ فِيهِمْ مَا
 يُحِبُّ وَ تُقْرِبُهُ عَيْنَهُ وَ اَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ هُدُورَ قَوْمِ
 مُؤْمِنِينَ . (۱)

دوم - در مکارم و غیره از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
 بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوانند :

" اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنَّ
 رَسُوْلَكَ الصّٰدِقَ الْمُصَدِّقَ الْاَمِيْنَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ
 آلِهِ قَالَ اِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ مَا تَرَدَّدْتُ
 فِي شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوْحِ عَبْدِي
 الْمَوْءِنِ مِنْ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَاَنَا اَكْرَهُ مُسَائِلَتَهُ اَللّهُمَّ فَصَلِّ
 عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِيْوَلِيْكَ الْفَرَجَ وَ
 الرَّاحَةَ وَ النَّصْرَ وَ الْكِرَامَةَ وَ الْعَافِيَةَ وَ لَا تُسَوِّئِيْ فِي نَفْسِي
 وَ لَا فِيْ اَحَدٍ مِنْ اُحِبَّتِي " . (۲)

سوم - دعائی است در جمال الاسبوع از حضرت امام رضا علیه
 السلام روایت شده که دعاء نمایند بحضرت حجت عجل الله تعالی

۱ - من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۲۷ .

۲ - مکارم الاخلاق طهرسی ص ۲۸۴ .

فرجه بساین دعاء ، و این دعاء وقت مخصوصی ندارد بلکه هر وقت
 بتوانند این دعای شریف را بخوانند و این عاصی را بدعای خیر
 یاد کنند .

" اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَدْفَعْ عَنَّا
 وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ
 الْمُعْبَرِ عَنكَ بِأَذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ
 فِي بَرِّيَّتِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ الْحَاجِّ الْمَجَاهِدِ
 الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ ، اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ
 شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ
 وَأَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَ
 عَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي
 لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَأَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ
 رَسُولِكَ وَأَبَائِهِمَا ثِمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ طَهَّرَاتِكَ عَلَيْهِمُ
 أَجْمَعِينَ وَأَجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَفِي
 جِوَارِكِ الَّذِي لَا يَخْفَرُ وَفِي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي
 لَا يُقْهَرُ ، اللَّهُمَّ وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الرَّثِيقِ الَّذِي لَا
 يَخْذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ وَأَجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا
 يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَأَنْصِرْهُ بِنُصْرِكَ الْعَزِيزِ وَأَيَّدْهُ
 بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ ،
 اللَّهُمَّ وَالْمِنْ وَالْأَهْوَ عَادٍ مِنْ عَادَاهُ وَالْبَيْسَهُ دِرْعَكَ
 الْحَصِينَةَ وَحَفْسَهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفَا ، اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ
 أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْمِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ
 اللَّهُمَّ أَشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَأَرْتَقِ بِهِ الْفَتْقَ وَأُمِّتْ بِهِ
 الْجَوْرَ وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ .
 الْأَرْضِ وَأَيَّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصِرْهُ بِالرَّعْبِ وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا

يَسِيرًا " وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ
سُلْطَانًا نَصِيرًا " ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ
وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَأَيَّدَهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحٍ
قَرِيبٍ وَوَرِثَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي
بَارَكْتَ فِيهَا وَأَحْسَى بِهِ سِنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَالْمَحْتَى لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ
الْخَلْقِ ، وَقُوَّةَ نَاصِرِهِ وَأَخْذَ خَازِلِهِ وَدَمْدَمَ عَلَى
مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمَّرَ عَلَى مَنْ غَشَّاهُ اللَّهُمَّ وَأَقْتُلْ
بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمَدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِمَوَاقِمِ
بِهِ رُؤَسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَمُمِيتَةَ السَّنَةِ وَ
مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَأُذِلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ فَابِرِ الْكَافِرِينَ
وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَابِنِ
كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا
وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا " وَلَا تَبْقَ
لَهُمْ آثَارًا " ، اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِرْ
مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّبِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَحْسِ بِهِ سُنَنَ
الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى
مِنْ دِينِكَ وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ
وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا " صَحِيحًا " مُحَضًّا لِأَعْوَجَ
فِيهِ وَلَا بَدْعًا مَعَهُ حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ
بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَجَهْلَ
الْعَدْلِ وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ ، اللَّهُمَّ وَأِنَّهُ
عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ مِنْ
خَلْقِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَأَتَمَّنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ
وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ

مِنَ الرَّجْسِ وَصَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ
 الرَّيْبِ ، اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ
 حُلُولِ الْعَظَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يَذْنِبْ ذَنْبًا وَلَمْ يَأْتِ حُوبًا
 وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَضِيعْ لَكَ طَاعَةً وَلَمْ
 يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ
 لَكَ شَرِيعَةً وَأَنَّ الْإِمَامَ التَّقِيَّ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ
 الطَّاهِرَ النَّقِيَّ الْوَفِيَّ الرَّضِيَ الرَّزْكَيَّ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ
 عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ
 وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تَقْرِبُهُ عَيْنُهُ وَتَسْرُّ
 بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مَلِكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ
 بَعِيدَهَا وَعَزِيزَهَا ذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ
 حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ ، اللَّهُمَّ وَاسْلُكْ بِنَا عَلَى
 يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحْجَةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ
 الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا
 التَّالِي ، اللَّهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبَّتْنَا عَلَى
 مُشَاطِعَتِهِ وَآمَنَّا عَلَيْهِ بِمَتَابِعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِ
 الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَ الطَّالِبِينَ بِرِضَاكَ
 بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ
 أَعْوَانِهِ وَمَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنَالِكَ خَالِمًا مِنْ
 كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْمَدَ بِهِ
 غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِدَالًا وَجَهَكَ وَحَتَّى تَحْلُنَا مَحَلَّهُ وَ
 تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعْمُولًا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ
 وَالْكَسْلِ وَالْفِتْرَةِ وَالْفِشْلِ وَاجْعَلْنَا مِنْ تَنْتَصُرِيهِ
 لِدِينِكَ وَتَعَزْبِهِ نَعْرُولِيكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّا

أَصْحَابِ لَيْلٍ بِمَا غَيَّرْنَا عَلَيْكَ بِسْرٍ وَهُوَ عَلَيْنَا
 كَبِيرٌ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى
 وَلاةِ عَهْدِهِ وَبَلِّغِهِمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ
 أَنْصِرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُ مَا اسْتَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرٍ دِينِكَ
 وَاجْعَلْ لَهُمْ أَعْوَانًا " وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا " وَصَلِّ
 عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَثَمَةِ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ
 فَانَّهُمْ مَعَادِينُ كَلِمَاتِكَ وَخِزَانُ عِلْمِكَ وَوَلاةِ أَمْرِكَ
 وَخَالصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَغَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤِكَ
 وَسَلَائِلِ أَوْلِيَاؤِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَوْلَادِ أَصْفِيَاؤِكَ صَلَوَاتِكَ
 وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، اللَّهُمَّ وَ
 شُرَكَاءَهُ فِي أَمْرِهِ وَمَعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ
 حِصْنَهُ وَسِلَاحَهُ وَمِزْعَهُ وَأَنْسَهُ الَّذِينَ سَلَوَاعِنُ
 الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ وَعَطَلُوا الْوَثِيرَ مِنَ
 الْعِهَادِ قَدَرِ فِضْوَا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ وَ
 فَقَدُوا فِي أَنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ وَخَالَفُوا
 الْبَعِيدَ مِنْ عَاضِدِهِمْ عَلَى أَمْرِهِمْ وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ
 مِنْ صَدْعِنَ وَجِهَتِهِمْ وَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ
 التَّقَاطِعَ لِسَى دَهْرِهِمْ وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَمِّلَةَ
 بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ
 وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ وَرُدِّعْنَهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ
 بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْزِلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ
 كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ أَيَّاهُمْ مَا
 تَعَيَّنَهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلًا مِنْ
 أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْلَأْ بِهِمْ
 كُلَّ افقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعِدْلًا وَ

مَرَحْمَةً وَفَضْلًا وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَيَّ حَسَبَ كَرَمِكَ
 وَجُودِكَ وَآمَنْتَ بِهِ عَلَيَّ الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ
 عِبَادِكَ وَادْخُلْهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ
 الدَّرَجَاتِ انكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تَرِيدُ آمِينَ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱)

چهارم - صلواتی است که از خود آن حضرت در جمال الاسبوع
 و بحار روایت شده و مشتمل است بر دعای بجهت آنجناب و صلوات
 بر آن حضرت :

" بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 سَيِّدِ الْمُرْسَلِیْنَ وَخَاتِمِ النَّبِیِّیْنَ وَحِجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
 الْمُنْتَجِبِ فِی الْمِیثَاقِ الْمَصْطَفٰی فِی الظَّلٰلِ الْمَطْهَرِ
 مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِیِّ مِنْ كُلِّ عَیْبِ الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ
 الْمُرْتَجٰی لِلسَّفَاعَةِ الْمَفُوضِ الْیَهْدِیْنِ اللّٰهُمَّ شَرِّفِ
 بُنِیَانَهُ وَعَظْمَ بُرْهَانِهِ وَافْلِحْ اِحْتِجَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ
 وَاضِیْ نُورَهُ وَبَیْضَ وَجْهِهِ وَاعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِیْلَةَ
 وَالدَّرَجَةَ وَالْوَسِیْلَةَ الرَّفِیْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا " محمودا "
 یَغِیْظُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ ، وَصَلِّ عَلٰی اَمِیْرِ
 الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمَحْجَلِیْنَ
 وَسَيِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَحِجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ، وَصَلِّ عَلٰی
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ
 وَحِجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ، وَصَلِّ عَلٰی الْحُسَیْنِ بْنِ
 عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَحِجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ، وَصَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ سَيِّدِ

الْعَابِدِينَ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ
 حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ
 الْهَدْيِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
 الْأَتْعَالَ الْهَادِينَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ
 دُعَائِمِ دِينِكَ وَاركَانِ تَوْحِيدِكَ وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَ
 حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلْفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ
 اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَسْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ
 ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَّلْتَهُمْ
 بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ
 غَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُمْ نوركَ وَرَفَعْتَهُمْ فِي
 مَلَكوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ
 صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا
 يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُحْصِيهَا إِلَّا غَيْرُكَ ، اللَّهُمَّ
 وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْسِنِ سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ
 الدَّاعِي إِلَى الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ
 وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ
 اعْزِزْ نَصْرَهُ وَمُدْفِي عُمُرَهُ وَزِينِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ
 اللَّهُمَّ اكْفِمْ بِنُورِهِ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ
 وَازْجُرْ عَنْهُ أَرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي

الجبارين اللهم أعطه في نفسه و ذريته و شيعته و
 رعيتته و خاصته و عامته و عدوه و جميع اهل الدنيا
 ما تقر به عينه و تسرب به نفسه و بلغه افضل ما امله
 في الدنيا و الآخرة انك على كل شيء قدير اللهم
 جدد به ما محى من دينك و احى به ما بدل من
 كتابك و أظهر به ما غير من حكمك حتى يعود
 دينك به و على يديه غضا جديدا " خالصا " خالصا "
 لا شك فيه و لا شبهة معه و لا باطل عنده و لا بدعة
 لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة و هذب ركنه كل
 يدعة و أهدم بعزته كل ضلالة و اقصم به كل جبار
 و اخمد بسيفه كل نار و اهلك بعد له كل جبار و اجر
 حكمه على كل حكم و اذل بسلطانه كل سلطان
 اللهم اذل كل من ناواه و اهلك كل من عاداه و
 امكر بمن كاده و استاصل من جحد حقه و استهان
 بامرته و سعى في اطفاء نوره و اراد اخماد ذكره
 اللهم صل على محمد المصطفى و على المرتضى
 و فاطمة الزهراء و الحسن الرضا و الحسين العاصي
 و جميع الاوصياء مصابيح الدجى و اعلام الهدى
 و منار التقى و العروة الوثقى و الحبل المتين و
 الصراط المستقيم و صل على وليك و ولاة عهدك
 و الائمة من ولده و مد في اعمارهم و زد في اجالهم
 و بلغهم افضل آمالهم . دينا و دنيا و آخرة انك
 على كل شيء قدير . (١)

پنجم - دعائی است که درنجم ثاقب نقل فرموده بجهت همه
اوقات خصوصاً " ماه مبارک رمضان خصوصاً " شب بیست و سوم آن
میگوشی بعد از تمجید خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم
الصلوة والسلام :

اللهم کن لولیک القائم بأمرک الحجة بن الحسن
المهدی علیه و علی آباءه افضل الصلوة و السلام
فی هذه الساعة و فی کل ساعة و لیا " و حافظا
و قائدا " و ناصرا " و دلیلا " و مؤیداً حتی
تسکینه ارضک طوعاً " و تمتعه فیها طولاً " و عرضاً
و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین ، اللهم
انصره و انتصر به و اجعل النصر منک له و علی
یده و اجعل النصر له و الفتح علی وجهه و لا توجه
الامرالی غیره ، اللهم اظهر به دینک و سنة نبيک
حتى لا یتخفی بشیء من الحق مخافة احد من
الخلق ، اللهم انی ارغب الیک فی دولة کریمه
تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله
و جعلنا فیها من الدعاء الی طاعتک و القادة
الی سبیلک و اتنا فی الدنيا حسنة و فی الاخرة
حسنة و قنا عذاب النار و اجمع لنا خیر الدارين
واقض عنا جمیع ما تحب فیهما و اجعل لنا فی ذلك
الخيرة برحمتک و منک فی عافية آمین رب العالمین
و زدنا من فضلک و یدک الملاء فان کل معطین نص
من ملکه و عطاءک یزید فی ملکک . (۱)

واما زیارت آن جناب

در کتاب احتجاج مرویستکه حضرت صاحب الامر عجل الله
تعالی فرجه در توفیق شریف بسوی محمد بن عبدالله بن جعفر
حمیری امر فرموده بودند: که هر گاه بخواهید مرا زیارت کنید و
بسوی من توحه نمائید پس چنین زیارت کنید و بگوئید:

سَلَامٌ عَلَى آلِ سَيِّدِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ
و رِبَانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ
دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ ارَادَتِهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بَقِيَّةَ السَّلَامِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ
الَّذِي أَخَذَهُ وَ كَدَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي
ضَمَّنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ
الْمَصْبُوبُ وَ السَّفْوَةُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدَاغَيْرُ
مَكْذُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تَبِينُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّيُ وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تَهْلُلُ وَ تَكْبُرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصْبِحُ وَ تَمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ
فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُورُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَمَاعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ
أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَأَلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

وان محمداً عبده ورسوله لاجيب الالهوا اهله
و اشهد ان امير المؤمنين حجة والحسن حجة
والحسين حجة وعلی بن الحسين حجة و محمد
بن علی حجة و جعفر بن محمد حجة و موسى
بن جعفر حجة و علی بن موسى حجة و محمد بن
علی حجة و علی بن محمد حجة والحسن بن
علی حجة و اشهد انك حجة الله انتم الاول
والاخر و ان رجعتكم حق لاريب فيها يو لاينفع
نفسا ايمانها لم تكن آمنت من قبل او كسبت في
ايمانها خيرا "وان الموت حق وان ناكرا " و نكيرا "
حق و اشهد ان النشْر والبعث حق و ان الصراط
والمرصاد حق و الميزان حق و الحساب حق و
الجنة حق و النار حق و الوعد و الوعيد بهما
حق يا مولاي شقي من خالفكم و سعد من اطاعكم
فاشهد علي ما اشهدتك عليه و انا ولي لك بري
من عدوك فالحق ما رضيتمو الباطل ما سخطتموه
والمعروف ما امرتم به و المنكر ما نهيتم عنه فنفسي
مؤمنة بالله وحده لا شريك له و برسوله و بامير
المؤمنين و بكم يا مولاي اولكم و اخركم و نصرتي
معدة لكم و مودتي خالصة لكم آمين آمين .

دعای که بعد از زیارت باید خوانده شود :

" اللهم انی اسالک ان تصلي علی محمد نبی
رحمتک و کلمة نورک و ان تملأ قلبی نور اليقين
و صدري نور الايمان و فکری نور النيات و عزمی
نور العلم و قوتی نور العمل و لسانی نور الصدق و

دينى نور البصائر من عندك و بصرى نور الضياء
و سعى نور الحكمة و مودتى نور الموالاتة لمحمد
وآله عليهم السلام حتى القاك و قدوفيت بعهدك
وميثاقك فيسعنى رحمتك يا ولى يا حميد ، اللهم
صل على محمد حججك فى ارضك و خليفتك فى
بلادك و الداعى الى سبيلك و القائم بعسطك و
التائر بامرک و لى المؤمنين و بوار الكافرين و
مجلى الظلمة و منير الحق و الناطق بالحكمة و
الصدق و كلمتك التامة فى ارضك المرتقب الخائف
و الولى الناصح سفينة النجاة و علم الهدى و نور
ابصار الورى و خير من تقمص و ارتدى و مجلى
العمى الذى يملأ الارض عدلا " و قسطا ، كما ملئت
جورا " و ظلما انك على كل شىء قدير اللهم صل
على وليك و ابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم
و اوجبت حقهم و اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم
تطهيرا " اللهم انصره و انتصر به لدينك و انصر به
اولياءك و اوليائه و شيعته و انصاره و اجعلنا منهم
اللهم اعذه من شر كل باغ و طاغ و من شر جميع
خلفك و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن
يمينه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان يوصل
اليه بسوء و احفظ فيه رسولك و آل رسولك و اظهر
به العدل و ايده بالنصر و انصر ناصريه و اخذل
خاذليه و اقصم قاصميه و اقصم به جبايرة الكفر
و اقتل به الكفار و المنافقين و جميع الملحدين
حيث كانوا من مثالي الارض و مغاربها و برها و

بحرِها واملأبها الارض عدلا " و اظهر به دين
 نبيك صلى الله عليه وآله و اجعلني اللهم من
 انصاره و اعوانه و اتباعه و شيعته و ارنى في آل
 محمد عليهم السلام ما يأملون و في عدوهم ما
 يحذرون اله الحق آمين يا ذا الجلال و الاكرام يا
 ارحم الراحمين . (۱)

دعاى عهد نامه كوچك

كه همه روز بعداز نماز صبح بخوانند و بمنزله زيارت آنجناب
 است . و در بحار الانوار و زاد المعاد و غيرهما منقول است :
 " اللهم بلغ مولاى صاحب الزمان صلوات الله
 عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات فى مشارق
 الارض و مغاربها و برها و بحرها و سهلها و جبلها
 حيتهم و ميتهم و عن والدى و ولدى و عنى من
 الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته
 و منتهى رضاه و عدد ما احصاه كتابه و احاط
 به علمه اللهم انى اجددله فى هذا اليوم و فى
 كل يوم عهدا و عقدا " و بيعة له فى عني
 اللهم فكما شرفتنى بهذا التشرىف و فضلتنى
 بهذه الفضيلة و خصصتنى بهذه النعمة فصل على
 مولاى و سيدى صاحب الزمان و اجعلنى من انصاره
 و اشياعه الذابين عنه و اجعلنى من المستشهدين
 بين يديه طائعا " غير مكره فى الصف الذى نعت
 اهله فى كتابك فقلت صفا كانهم بنيان مرصوص

عَلِيَّ طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
اللَّهُمَّ هَذِهِ بِيَعْتَلُهُ فِي عُنُقِي الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ (۱)

نماز حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه
بنحوی که در جمال الاسبوع و غیره مذکور است دو رکعت است
در هر رکعت سوره حمد و قل هو الله احد بخوانند و چون به ایاک
نعبد و ایاک نستعین رسد صد مرتبه آنرا مکرر کند. و بروایتی بعد
از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد، و بروایت سید بن طاوس رحمة
الله علیه بعد از نماز این دعا (۲) را بخواند:

"اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبُرُخٌ (۳) الْجَفَاءُ وَضَاقَتِ
الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَالْيَكُّ يَارَبَّ الْمُشْتَكَى وَ
عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرِّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ
عَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَاطْهِرْ أَعْزَازَهُ يَا
مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَاَنْكَمَا
كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي
فَاَنْكَمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ احْفَظَانِي فَاَنْكَمَا
حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ

۱ - زاد المعاد ص ۳۲۲.

۲ - در روایتی وارد شده که حضرت صاحب الامر علیه السلام
این دعا را بیکی از دوستان تعلیم فرمود و ببرکت آن از قتل نجات
یافت (مؤلف).

۳ - یعنی زیاد شد ستم دشمنان، و در بعضی نسخ، برح الخفاء
است یعنی سخت شد مخفی بودن امام ما یا مخفی بودن راه چاره
مؤمن. مؤلف.

الفوت ادركنى ادركنى ادركنى الامان الامان
الامان. (١)

فصل

در بیان بعضی از فوائد و خواص دعاء کردن بآنحضرت و طلب ظهورش را از خداوند عالم جل شانه نمودن که از آیات و اخبار جمع نموده ام و آنها بسیار است، و در اینجا بذکر چهارده واءده اکتفاء مینمایم:

اول - آنکه باعث طول عمر میشود، چنانچه در خصوص دعای دوم که بعد از هر نماز واجب باید خواند از حضرت صادق علیه السلام روایت شده. (۱)

دوم - آنکه دعای بآنحضرت نوعی از ادای حق آنحضرتست و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که: ادای حق مؤمن بهترین اعمال است. (۲)

مؤلف گوید: چون آنجناب رئیس و بهترین همه مؤمنین است ادای حق آنجناب اهم اعمال خیر و افضل آنهاست.

۱ - مکارم الاخلاق طبرسی ص ۲۸۴.

۲ - کافی ج ۲ ص ۱۷۵ "از امام صادق علیه السلام است".

سوم - آنکه دعای در حق آنجناب سبب رسیدن بشفاعت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است چنانچه از خود آنجناب روایت شده، و از بعضی احادیث استفاده میشود که: موجب فائز شدن بشفاعت حضرت صاحب الامر علیه السلام تر هست. (۱)

چهارم - آنکه خدا یاری میکند دعاء کننده بآنحضرت را، زیرا که دعای به آنجناب نوعی از یاری اوست و یاری او یاری خداست و حقتعالی فرموده: **وَلَيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ** یعنی: خداوند البته یاری میفرماید هر کسی که او را یاری نماید. (۲)

پنجم - آنکه بدعاء نمودن بآن بزرگوار آنجناب مسرور میشوند، و در کافی از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که: هیچ عبادتی نزد خدا بهتر نیست از مسرور نمودن مؤمن. (۳)

ششم - آنکه: چون دعاء نمودی در حق آنجناب آن بزرگوار هم در حق تو دعاء میفرماید، و این مطلب از جمله‌ای از احادیث شریفه استفاده میشود. (۴)

هفتم - آنکه حاصل میشود باین دعاء ثواب دعاء نمودن بهمه مؤمنین و مؤمنات، بجهت آنکه نفع ظهور آنحضرت عاید تمام آنها میشود بلکه عاید تمام خلایق از اهل آسمانها و زمینها میشود چنانچه در کتاب مکیال العکارم به روایات کثیره واضح نموده‌ام، پس

۱ - الخصال ج ۱ ص ۱۹۶.

۲ - سوره الحج آیه ۴۵.

۳ - الکافی ج ۲ ص ۱۸۸.

۴ - تحف العقول ص ۴۴۶: از امام رضا علیه السلام است که

فرمودند: ما را بر شما حقی است چون آن را اداء کنید بر ما حق پیدا میکند و ما هم آنرا به شما اداء میکنیم.

اگر باین قصد دعا کسی دعاء بهمه آنها شده. (۱)

هشتم - آنکه دعای بانحضرت اظهار محبت و دوستی بآن جناب است و او نزدیکترین ذریه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است بانحضرت ، و اظهار محبت بذریه آنجناب ادای مزد رسالت است. (۲)

نهم - آنکه دعای بانحضرت در زمان غائب بودنش باعث دفع بلاها از شخص میشود. (۳)

دهم - آنکه دعاء نمودن برای تعجیل ظهور آنحضرت خیر خواهی برای خدا است ، و خیرخواهی برای پیغمبر صلی الله علیه و آله است ، و خیرخواهی برای کتاب خدا است که ظاهر میشود و عمل به او میشود ، و خیرخواهی برای دین خداوند حل شانہ است که غالب و ظاهر میشود ، و خیر خواهی برای جماعت مسلمانان که از شر کفار آسوده میشوند ، و در خصال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویستکه :

" هرکس این پنج صفت را داشته باشد من ضامنم

برای او بهشت را " (۴)

۱ - مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقاء علیه السلام ج ۱

ص ۲۴۷.

۲ - سوره الشوری آیه ۲۳ " بگو برای رسالتم مزدی نمیخواهم

بجز محبت و دوستی اهل بیتم " .

۳ - الاحتجاج ج ۲ ص ۲۸۴ از امام عصر علیه السلام است که

فرموده اند : پس برای فرج ما بسیار دعا کنید زیرا که فرج - و گشایش

امور - شما در آن است .

۴ - الخصال ص ۱۴۱ .

یازدهم - آنکه بدعی فرج آنحضرت ثواب اعانت مظلوم حاصل میشود و آن باعث عبور از پل صراط است بسلامتی چنانچه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده، (۱)

دوازدهم - آنکه ثواب جهاد نمودن در رکاب پیغمبر و امیرالمومنین علیهم السلام را دارد، (۲)

سیزدهم - آنکه درک میکند ثواب عملی را که هیچکس بغیر از خداوند عالم جل شانہ ثواب آنرا نمیاند و آن طلب نمودن خون حضرت سیدالشهداء علیه السلام است، زیرا که جناب صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه طلب خون او میکند، و توه هر گاه طلب ظهور آنجناب را بجهت این مطلب نمودی در ثواب انعمل شریک خواهی بود،
چهاردهم - در کمال الدین از احمد بن اسحق منقول است که گفت:

" وارد شدم بر امام حسن عسکری علیه السلام و میخواستم بپرسم از آنجناب از امام و خلف بعد از او، آنجناب پیش از سؤال من فرمود: ای احمد بن اسحق بدرستیکه خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون، و خالی نمیگذارد تا قیامت از کسیکه حجت باشد بر خلق که باو دفع بلاء میکند از اهل زمین و برکت او باران میبارد و برکات زمین را بیرون میآورد، احمد گفت: من گفتم یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله " پس

۱ - مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام ج ۱ ص

۲ - تفسیر مجمع البیان ج ۹ ص ۲۳۸

کیست امام و جانشین بعد از شما؟ حضرت بتعجیل داخل خانه شدند و بیرون آمدند در حالتیکه بر دوش آنحضرت پسری بود بسن سه ساله که رویش مثل ماه شب چهارده بود، پس فرمود: ای احمد بن اسحق اگر نبود بجهت کرامت تو نزد خدا و حجج او من این پسر را بتو نشان نمیدادم، اوست همانم و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله که زمین را پر از عدل و داد میکند، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد، ای احمد بن اسحق مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است بخدا قسم البته غائب خواهد شد غایب شدنی که نجات نمییابد از هلاکت در زمان غیبت او مگر کسی که خدا او را ثابت کند بر قول با امامت او و توفیق دهد باو که دعاء کند بتعجیل فرج و ظهور او، احمد گفت: گفتم ای مولای من علامتی بمن بنما که دلم مطمئن شود، ناگاه آن پسر بزبان عربی "فصیح نطق کرد و فرمود: منم بقیة الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان خدا پس طلب نکن اثری بعد از عین ای احمد بن اسحق". (۱)

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۸۴.

ختم کتاب بچند رباعی از انشاءات این عاصی

از طعنه دشمنان دون صد فریاد
وز دیده^۱ کوتاه نظران صد فریاد
بر غیبت دین احمدی صد افسوس
وز غیبت صاحب الزمان صد فریاد
ای ذکرتو نقل مجلس درویشان
ای نام تو مرهم دل دلریشان
بیچاره منی که از رخت مهجورم
از کینه وری و جور بد اندیشان
ای پادشه جهان جهان پر شورا است
دشمن بهزار گونه عیش و سورا است
ای کاش که من رخ نکویت بینم
دور است بسی زبخت من این دورا است
ای وصل تو غایه المراد دل ما
وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما
اندر دل ما لشکر غم منزل کرد
ز آنروز که دور گشتی از منزل ما
ای زاده^۲ عسکری امام همه خلق
از بهرهدی مه تمام همه خلق

راهی بدهم بسوی خودبهرخدا
کافسرده شده ز خاص و عام همه خلق
ای آتش عشق تو بدلهای فکار
چون آتش طور موسی اندر شب تار
از غیبت رویت ای مه هر دو جهان
روزانه عاشقان شده چون شب تار
ای گشته خیال تو قرار دل من
وز دوستیت سرشته آب و گل من
نه طاعت و نه عبادتی دارم لیک
حب تو ز عمر من بود حاصل من
ای چاره در خستگان ادراکنی
ای مونس و یار بیکسان ادراکنی
من بیکسم و خسته و مهجور و ضعیف
یا حضرت صاحب الزمان ادراکنی
ای وارث یازده امام بر حـق
ای بر همه خلق ولی مطلق
دارم طمع نظاره بر رویت
ایمصدر فیض و ماسوایت مشتق
راز دل زار من تو میدانی و بس
مانده است ز من ناله و افغانی بس
شدخانه دل خراب و از غیر تهی
در خانه خرابه ام تو میمانی و بس
از دوری تو خانه خرابم بخدا
رنجور نحیف و دل کبابم بخدا

لعل لب تو است آب حیوان بینی
 من تشنه یکدو قطره آبم بخدا
 از حضرت تو ترحمی میخواهم
 وز لعل لب تبتبسمی میخواهم
 تو شاهی و من گدا و از بخشش تو
 یکقطره ز بهر فلزمی میخواهم
 ای پادشاه ز من صلائی در ده
 مائیم گدای تو نوائسی در ده
 دلهای فکار ما پر از درد و غم است
 از بهر خدا بما شفائی در ده
 ای مهدی صاحب الزمان دریابم
 ای جان همه جهانیان دریابم
 از دوری روی تو بدینسان گشتم
 بی چاره و زار و ناتوان دریابم
 گرجرم و گناه و خجلتم بسیار است
 امید بعفو و رحمت بسیار است
 اندک نظری بحال افکارم ککن
 کز تو لطف اندکی بسیار است
 ای بحر محیط قطره از کرمست
 وی روی زمین بساط خوان نعمت
 مردم ز غم ندیدن روی تو
 بنما نظری بر این گرفتار نعمت
 تادیدن روی دوست حاصل نشود
 مقصود من از حیوه حاصل نشود

حاصل نشود مرادش اندر دو جهان
 آنکس که مرادش بتو حاصل نشود
 ای سرور جمله پادشاهان نظری
 ای صاحب خون بیگناهان نظری
 گردیده کنون فلک بگام دشمن
 باز تو برای انتقام دشمن
 تا صدم انتقام تو بردارد
 از صفحه روزگار نام دشمن
 باز که جهان پر شده از ظلم و فساد
 از کینه و جور ظالم بد بنیاد
 بازای و بگیر داد مظلومانرا
 از آنکه ز اول این بنا کج بنهاد
 در عرصه کربلا حسین گشت شهید
 آن روز که عرش کبریائی لرزید
 هستی تو ولی خون شاه مظلوم
 بنما طلب خون وی از آل یزید
 آن سر که سردوش نبی داشت مقام
 شد بر سرنی ز کینه نسل حرام
 آن سر که گرفت عرش از اوزینت شد
 از جور یزید زینب دروازه شام
 آن سر که در آغوش نبی ما واداشت
 که بر سردوش شاه مردان جا داشت
 از بعد شهادتش ز ظلم دشمن
 در زیر طغار رخت شوئی جا داشت

آنسر که بدی مصداق آیه نور

جا دادز کینه خولیش کنج تنور

بد عهدی دور آسمانرا بنگر

راس شهدین کجا و کف مخمور

آن لب که بداد بوسه اش خیرانام

زد چوب بر او یزید آن نسل حرام

میگفت بخنده و تبسم الحمد

کامروز مراد دور فلک گشته بکام

اولاد نبی بیزم خود حاضر کرد

از بهر تماشا همه کس ناظر کسرد

مسلم نپسندد که بکافر بیند

ظلمی که بآل نبی آنکافر کسرد

التماس دعای مخصوص از خوانندگان این کتاب دارم امید

است خداوند عالم جل شانها این عاصی و سایر اخوان دینی را از

انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه مقرر فرماید ، قدتم بیدم و لفه

الجانی محمد تقی بن عبد الرزاق الموسوی الاصفهانی عفی الله

تعالی عنهما فی ثالث ذی عقده الحرام . حرره الفقیر المذنب الراجی

محمد تقی سنه ۱۳۳۱ .

بسم الله الرحمن الرحيم

و هو حسبي

چنین گوید این عاصی جانی محمد تقی بن عبدالرزاق الموسوی الاصفهانی عفی الله تعالی عنهما که مناسب دانستم بلکه لازم که در این مقام ذکر نمایم دوازده حدیث در خصوص غائب شدن آن امام عالی مقام از ابصار انام که روایت شده از پیغمبر و ائمه کرام علیهم الصلوة والسلام تا از برای خواص و عوام نفعش کامل و تمام و برای این ضعیف ذخیره، یوم القیام بوده باشد و انتخاب نمودم ایمن احادیث را از کتاب کمال الدین و تمام النعمه که از مؤلفات شیخ صدوق^(۱) رحمه الله تعالی است، امید که منظور نظر مبارک آن سرور گردد انشاء الله تعالی .

حدیث اول

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:
" مهدی از اولاد من نام او نام من است و کنیت

۱- نام مبارکش محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، بشارت ولادتش از حضرت صاحب الامر علیه السلام رسید، وفاتش در سنه ۳۸۱ هـ، قبرش در حوالی طهران، و جلالت قدرش غنی از بیان است، قریب سیصد کتاب تصنیف فرمود، رحمة الله تعالی علیه. مؤلف.

او کنهت من است شبیه ترین مردم بمن در صورت و در همه صفات حمیده میباشد، او را غائب شدنی است که در زمان غائب بودنش گروه‌هایی از مردم گمراه میشوند آنگاه می‌آید مانند شهاب درخشنده و زمین را پراز عدل و داد میکند هم چنانکه پر شده باشد از ستم و ظلم. (۱)

حدیث دوم

از حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام، اصبع نباتاته گفت: رفتم خدمت آن حضرت دیدم متفکر است و بر زمین با انگشت خط میکشد، گفتم: یا امیرالمؤمنین در چه فکر هستی؟ آیا بسلطنت رغبت فرموده‌ای؟ فرمود:

"بخدا قسم هرگز نه بسلطنت رغبت داشته‌ام نه بدنیا رغبت نموده‌ام. لکن فکر میکردم در امر مولودی که از من بظهور می‌آید و آن یازدهم از فرزندان من است آن مهدی است که عالم را پراز عدل میکند چنانچه پر شده باشد از ظلم و ستم، خواهد بود او را غائب شدنی و مردم را حیرتی که در زمان غائب بودنش بسیاری از مردم گمراه شوند و جمعی دیگر هدایت یابند، گفتم: یا امیرالمؤمنین این مطلب تقدیر حتمی است که تغییر ندارد؟ فرمود: بلی لابد غائب میشود همچنانکه لابد متولد میشود. (۲)

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۲۸۶.

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۲۸۹.

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است فرمود:

”کسی از مانیست که بیعت سلطان و حاکم زمان
بنچاری بگردنش نیفتد مگر آن قائم که حضرت عیسی
در عقب سر او نماز میکند، زیرا که حق تعالی
ولادت او را مخفی میکند و شخص او را از نظرها
غائب میکند تا بیعت سلطان ظالمی بگردنش
نیفتاده باشد زمانی که خروج کند، او نهمی فرزندان
برادرم حسین است پسر سیده زینب زمان است،
طولانی میکند خدا عمر او را در زمان غائب بودنش
آنگاه بقدرت کامله خود او را بصورت مردی که
چهل سال کمتر عمر کرده باشد ظاهر میفرماید تا
دانسته شود که خداوند عزوجل بر هر چیزی توانا
است. (۱)

حدیث چهارم

از حضرت صد الشهداء علیه السلام فرمود:

”قائم این امت نهمی از اولاد من است و اوست
کسی که غائب میشود و میراث او قسمت کرده میشود
با وجود اینکه زنده است. (۲)

حدیث پنجم

از حضرت امام زین العابدین علیه السلام است، فرمود:

”بسیار طولانی میشود زمان غائب بودن ولی

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۱۷.

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۱۷.

خدا که دوازدهم اوصیاء حضرت رسول صلی الله علیه و آله است، ای اباخالد: بدرستیکه اهل زمان او که قائل بامامت او هستند و انتظار ظهورش را دارند افضل اهل هر زمانی هستند، زیرا که حق تعالی چنان عقل و هوشی بآنها داده که غیبت و حضور نزد آنها یکسان است، و آنها را در آن زمان بمنزله مجاهدین در حضور خاتم پیغمبران قرار داده، ایشانند مؤمنان خالص و شیعیان واقعی منا و دعوت کنندگان بدین خدا در آشکارا و پنهان. (۱)

حدیث ششم

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که:
" مهدی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله برای او غائب شدنی است و در زمان غیبت او حیرانی برای مردم که گروهی گمراه شوند و گروهی بسلامت مانند. (۲)

حدیث هفتم

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است، عبدالله بن ابی یعفر از آنجناب روایت میکند که فرمود:
" هر کس اقرار کند بامامان از پدران من و فرزندان

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۲۵.

۲ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۳۵.

من وانکار کند مهدی از اولاد مرا مثل کسی است
 که اقرار بیهمه پیغمبران کند و پیغمبر آخر الزمان
 را منکر باشد. گفتم: کیست مهدی از اولاد شما؟
 فرمود پنجم از اولاد هفتم ما که شخص او غائب
 میشود از شما، و حلال نیست گفتن نام او - یعنی
 اسم اصلی او - بر شما. (۱)

حدیث هشتم

از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است فرمود:
 "چونکه غائب شود پنجم از فرزندان هفتم پس
 ملتفت باشید کسی شما را از دین برنگرداند
 بدانید البتہ حضرت صاحب الامر علیه السلام
 غائب میشود و آنقدر طول میکشد غائب شدنش
 تا بیشتر از مسلمانان از این دین برمیگردند،
 بدرستی کسه غیبت او امتحانی است از جانب
 خداوند برای خلق که خوب از بد واضح شود. (۲)

حدیث نهم

از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند: کیست قائم از شما
 اهل بیت علیهم السلام؟ فرمودند:
 "چهارمی از اولاد من است که پسر سیده کنیزکان
 است، پاک میگرداند خداوند عالم باو زمین را

۱ - اکمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۳۳۸.

۲ - اکمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۳۶۵.

از هر سستی و پاکیزه میکند زمین را بوجود او از هر ظلمی و اوست آنکسی که مردم در ولادت او شک میکنند، و اوست کسی که غائب میشود پیش از خروجش پس چون خروج فرماید زمین بنور او روشن شود و میزان عدل را میان مردم قرار دهد، پس هیچکس بدیگری ظلم و ستم نکند و اوست کسیکه زمین برای او درهم پیچیده شود، و او را سایه نباشد، و اوست کسیکه منادی از آسمان با اسم او نداء کند بندائی که تمام اهل زمین بشنوند و مردم را بسوی او دعوت نماید و آن نداء این است:

أَلَا إِنَّ حِجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ
فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ، یعنی همه آگاه باشید و بدانید که حجت خدا بتحقیق ظهور فرموده در نزد کعبه مشرفه پس او را پیروی و متابعت نمائید زیرا که حق با او و راستگاری در متابعت اوست. (۱)

حدیث دهم

از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسیدند: —
شمائی قائم از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عالم را پر از عدل و داد میکند؟ فرمودند:
" جمیع ما ائمه قائم با مر خدا هستیم و راه نمای بدین او، ولکن آن قائمیکه حقتعالی بظهور او زمین را از اهل کفر پاک میکند و آن را پر از عدل

۱ - اکمال الدین و اتعاف النعمه ج ۲ ص ۳۷۲ .

میفرماید آن کسی است که ولادتش از مردم پنهان
 واقع شود و شخص او از نظرهای خلائق غائب و
 پنهان گردد و گفتن نام اصلی او بر مردم حرام
 باشد اوست هم نام و هم کنیه با رسول خدا صلی
 الله و آله و اوست کسی که زمین برای او درهم
 پیچیده شود - یعنی در زمان بسیار کم راه‌های
 بسیار دور را بی واسطه^۱ شمن‌فر (۱) و اسباب سیر
 کند - و هر مشکلی برای او آسان شود، و سیصد
 و سیزده نفر اصحاب او که بعد از اصحاب بدرند
 از شهرهای دور بخدمتش حاضر شوند، چون این
 عدد از اهل اخلاص برایش جمع شد خداوند -
 عالم امر او را ظاهر و آشکار گرداند، پس چون
 عدد یاران او بده هزار نفر رسید باذن خدا خروج
 کند و دشمنان حق تعالی را بکشد تا خدا راضی شود
 حضرت عبدالعظیم از آن جناب پرسید: از کجا میداند
 که خدا راضی شده؟ فرمود: رحمت در دل او قرار
 میدهد که دیگر نکشد - یعنی غضب آن حضرت ساکن
 میشود - پس چون بمدینه داخل شود لات و عزی
 را بیرون آورد و بسوزاند. (۲)

مؤلف گوید مقصود از لات و عزی :

ظالم اول و دوم است.

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۲۷۷.

۲ - در اصطلاح قدما بمعنی اتومبیل است.

حدیث یازدهم

از حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمودند :
" امام بعد از من پسر من حسن است پس چگونه خواهد بود حال شما در زمان امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام ، راوی پرسید : از چه جهت؟ فرمود : بجهت اینکه شخص او از شما غائب میشود و او را نمی بینید و بر شما حلال نیست که اسم او را بگوئید ، عرض کرد پس به چه اسم او را ذکر نمائیم؟ فرمود : حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله . (۱)

حدیث دوازدهم

از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است فرمودند :
" پسر من حضرت صاحب الامر علیه السلام شبیه است بخضر و ذوالقرنین ، راوی پرسید از چه جهت؟ فرمودند : از جهت طول کشیدن زمان غائب شدنش ، - پرسید : مگر خیلی طولانی میشود زمان غائب بودن او ؟ فرمودند : بلی بخدا قسم آنقدر طول میکشد و دراز میشود غیبت او تا آنکه بیشتر کسانی که اعتقاد باو داشته اند از دین بر میگرددند و گمراه میشوند و باقی نمیماند بر دین مگر کسی که حق تعالی عهد او را گرفته باشد برای دوستی ما و ایمان را در دل او محکم گردانیده

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۳۸۵ -

باشد و بقوه‌ای از جانب خودش او را تایید و یاری
فرموده باشد. (۱)

مؤلف گوید: ما بقی این حدیث در فائده چهاردهم از فوائد
و خواص دعاء نمودن بآنجناب مذکور شد.

فصل

بدانکه از برای ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام وقت معینی در اخبار بیان نشده ، و در کمال الدین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند :

" دروغ میگویند کسانی که وقت برای ظهور آن حضرت معین میکنند ولکن پیش از خروج آنجناب علامتهای حتمیه چند ظاهر خواهد شد ، ندائی در ماه رمضان ، و خروج سفیانی ، و خروج خراسانی و کشته شدن نفس زکیه ، و فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان بیداء مابین مکه و مدینه .

عریضه بخدمت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه منقول از بحار این عریضه را بنویسد و مهر کند و در میان گل پاکی بگذارد و درنهر یا چشمه آبی بیندازد و در وقت انداختن به یکی از چهار نفر سفراء که در زمان غیبت صغری نایب حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده اند متوسل شود و نام او را بگوید و ایندعاء را بخوانند مثلا " بگوید :

" یا سیدی یا ابا القاسم یا حسین بن روح سلام
علیک اشهد ان و فاتک فی سبیل الله و انک حی
عند الله مرزوق و قد خاطبتک فی حیوتک التی

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهَذِهِ رُقْعَتِي وَحَاجَّتِي الَّتِي
مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمَهَا إِلَيْهِ فَإِنَّ الثِّقَةَ الْإِمِينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"كُتِبَتْ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَغِيثًا وَ
شَكْوَتًا مَأْنُوزًا بِي مُسْتَجِيرًا" بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ
مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَأَشْغَلَ قَلْبِي وَأَطْسَالَ فِكْرِي وَ
سَلَبَنِي بَعْضَ لَبْسِي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي
أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلٍ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ
تُرَاثِي أَقْبَالِهِ الَّتِي الْحَمِيمِ وَعَجَزَتْ عَنِ دِفَاعِهِ
حِيلَتِي وَخَانَنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَقَوَّتِي فَلَجَأْتُ
فِيهِ إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاهُ عَلَيْهِ
عَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا "بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَلِيَّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ وَاثْقَابِكَ فِي
الْمَسَارِعِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاهُ فِي أَمْرِي
مُتَيْقِنًا لِأَجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْكَ بِأَعْطَاءِ سَوْلِي
وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيدَ بَتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصْدِيقِ
أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِي يَدْرَأُ بِنَجَا حَاجَتِ خُودِرَا
بِنُويَسِدَ "فِي مَالِ الطَّاقَةِ لِي بِجَمَلِهِ وَلَا صَبْرِي عَلَيْهِ
وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحَقًّا لَهُ وَلَا ضَعْفَهُ بِقَبِيحِ أِفْعَالِي وَ
تُفْرِيطِي فِي الْوَأَجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَغْنِنِي
يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ وَقَدَمِ
الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَ
شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ فِيكَ بِسَطَطِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَاسْئَلِ
اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا "عَزِيزًا" وَفَتْحًا "قَرِيبًا"

فيه بلوغُ الآمالِ وخيرُ المبادئِ و خواتيمُ الأعمالِ
والآمنُ مِنَ المَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ إِنَّهُ جَلَّ
ثَنَاءُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالَ وَهُوَ حَسْبِي وَنَعْمَ الْوَكِيلُ
فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَعَالِ . (١)

وَطَيْفِرًا لَنَا مِنْ

فِي

زَيْنِ كَيْبَرٍ لَنَا مِنْ

تَأْلِيفِ

حُجَّةِ الْإِسْلَامِ وَاسْمِ

سَيِّدِنَا الْحَاجِّ مِيرزا مُحَمَّدِ بْنِ مَوْسَى الْأَصْفَهَانِيِّ

جَزَاءً دَوِّمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ
وَخَيْرِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ وَلَا سِيفًا لِإِمَامِ زَمَانِنَا خَاتَمِ
الْوَصِيِّينَ . وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَظَالِمِيهِمْ الَّتِي يَوْمَ الدِّينِ .

اما بعد : غریق بحار سیئات و امانی محمد تقی بن عبدالرزاق
الموسوی الاصفهانی عفی الله تعالی عنهما بعرض برادران ایمانی
میرساند که این جزء دوم است از کتاب " وظیفه الانام فی زمن غیبة
الامام علیه السلام " که در آن جمع نمودم جمله‌ای از اعمالی را که
باید اهل ایمان در زمان غائب بودن امام زمان یعنی حضرت حجة
بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه مواظبت بآنها داشته
باشند و دستور العمل خود قرار دهند ، و تمام آنچه حقیر تا بحال
از کتب احادیث معتبره امامیه جمع نموده‌ام زیاده بر پنج‌جاه امر
است ، و در جزء اول این کتاب بیست و پنج امر از آنها را ذکر نمودم
و مابقی آنها را در این جزء ذکر مینمایم بعون الله جل جلاله ، پس
میگویم :

بیست و ششم - آنکه علماء علم خود را ظاهر کنند و بکسانی
که جاهل و نادانند طریق جواب مخالفین را بیاموزند که آنها حیران
و گمراه نشوند و اگر حیرانند از حیرانی نجات یابند و این مطلب در
این زمان بسیار مهم و بر علماء لازم است ، در تفسیر حضرت امام

حسن عسکری علیه السلام مذکور است که حضرت امام محمد تقی
علیه السلام فرمودند:

"عالمی که پرستاری کند یتیمان آل محمد صلی
الله علیه و آله را آن کسانی که از امام خود دور
افتاده اند، یعنی امام آنها غائب شده از نظر آنها
و حیران مانده اند و در دست شیاطین اسیر شده اند
و بدست دشمنان ما گرفتار شده اند پس آنها را از
حیرت نجات دهد و وسوسه های شیاطین را از آنها
دور کند و دشمنان آنها را بدلیل و برهانی که از
ائمه آنها رسیده ذلیل و مغلوب نماید، فضیلت
این نوع از علماء بر عابدها بیشتر است از فضیلت
آسمان و عرش و کرسی و حجابها بر زمین و مثل
فضیلت ماه شب چهارده است بر کوچکترین ستاره های
آسمان.

و از حضرت امام علی النقی علیه السلام روایت است که فرموده:
"اگر نباشد ببرکت علمائی که در زمان غائب بودن
حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه مردم را بسوی
آنحضرت دعوت میکنند، و بدلیلهای محکم رفع
شبهات ملحدین را مینمایند و عوام ضعیف را از
دام شیطان و دشمنان دین نجات میدهند، هر
آینه تمام مردم گمراه شوند و از دین برمیگردند
لکن این نوع از علماء نگاه میدارند دلشای ضعیفای
شیعیان را چنانکه صاحب کشتی سکان کشتی را نگاه
میدارد، و این طائفه از علماء از هر کسی افضل و
بهترند نزد خداوند جل شانہ.

و در اصول کافی از معاویه بن عمار منقول است که: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی است روایت احادیث شما میکند و در میان مردم حدیث شما را منتشر مینماید و دل‌های شیعیان شما را بسبب آن محکم میکند، او بهتر است یا عابدی که عبادت میکند و روایت حدیث نمیکند؟ فرمودند:

"آنکسی که روایت حدیث ما میکند و دل‌های شیعیان ما را بآن محکم میکند بهتر است از هزار عابد." (۱)

پس مقتضای احادیث مذکور و غیر آنها باید هر عاملی بقدر قوه خود اظهار علم خود نماید خصوص در این زمان که بدعتها ظاهر شده است.

در اصول کافی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند:

"هرگاه ظاهر شد بدعتها در میان امت پس باید آشکار کنند عالم علم خود را و اگر نکنند بر اوست لعنت خدا جل شانہ" (۲)

و در جلد فتن بحار از آنحضرت مرویست که بحضرت امیر علیه السلام فرمودند:

"یا علی اگر یک نفر را حق تعالی به علم تو هدایت کند بهتر است برای تو از تمام آنچه آفتاب بر او میتابد - یعنی از تمام عالم دنیا.

بهبست و هفتم - آنکه مراقبت و اهتمام در ادای حقوق امام زمان علیه السلام هرکسی بقدر قوه خود بکند و در خدمت گذاری بآنجناب

۱ - کافی ج ۱ ص ۲۲.

۲ - کافی ج ۱ ص ۵۴.

کوتاهی نکند، در بحار مروی است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند آیا حضرت قائم علیه السلام متولد شده؟ فرمودند:

"هنوز متولد نشده، بعد فرمودند: اگر من در زمان او میبودم تا زنده بودم او را خدمت میکردم. (۱)

مؤلف گوید: ای مؤمن ملاحظه کن حضرت صادق علیه السلام با آن جلالت قدر چه میفرماید، تو خدمت با امام زمان نمیکنی اقلاً شب و روز قلب او را محزون و مغموم نکن، باری چو غسل نمیدهی نیش مزین".

بیست و هشتم - آنکه هر وقت شخص میخواهد دعاء بکند اول دعاء بجهت آنجناب بکند و ظهور آنحضرت را از حق تعالی سؤال نماید بعد دعاء بجهت خود بکند، و این مطلب از ملاحظه و تأمل در دعای روز عرفه از صحیفه مبارکه سجادیه واضح میشود، علاوه بر اینکه مقتضای کمال محبت و مراقبت در ادای حقوق آنحضرت همین است، و از بعض احادیث خاصه هم استفاده میشود، علاوه بر اینکه زیاده بر هشتاد فائده عظیمه از فوائد دنیویه و اخرویه حاصل میشود برای شخص بسبب دعاء نمودن بآن حضرت و طلب فرج و ظهور آنجناب را از حق تعالی نمودن.

و معلوم است که شخص عاقل مقدم میدارد تحصیل آن فوائد (۲) کثیره را بر دعای بخودش که نمیداند مستجاب است یا نه، بلکه همین

۱ - البحار ج ۵۱ ص ۱۴۸.

۲ - و حقیر تمام این فوائد را با ماخذ و دلیل در کتاب "ابواب الجنات" و کتاب مکمال المکارم ذکر نموده ام و بعضی از آنها در جزء اول این کتاب ذکر شد. (مؤلف).

مقدم داشتن دعای بجهت آن حضرت را بر دعای در حق خود
شخص و سیله استجابت دعاهاى بعد که برای خود میکند میشود
انشاء الله تعالى ، و همچنین است صلوات فرستادن پیش از دعا
چنانچه در حدیث وارد شده . (۱)

بیست و نهم - آنکه بخصوص اظهار محبت و دوستی با آنحضرت
بنماید بجهت حدیثی که در غایة المرام از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که فرمودند :

" در شب مهراج خطاب از جانب حضرت حق جل
جلاله بمن رسید که آیا میخواهی اوصیای خود ترا
به ببینی ؟ گفتم : بلی ، خطاب شد نظر کن مقابل
روی خود ، چون نگاه کردم اشباح دوازده وصی
خود را دیدم و حجت قائم مثل ستاره درخشان
میان آنها میدرخشید پس عرض کردم : خدایا
اینها کیستند ؟ خطاب شد : اینها امامهای بر-
حقند و اینکه میان آنها درخشان است قائم است
که حلال مرا حلال میکند و حرام مرا حرام میکند (۲)
و انتقام میکشد از دشمنان من ، ای محمد صلی الله
علیه و آله او را دوست بدار زیرا که من او را دوست
میدارم و دوست میدارم هر کسی که او را دوست
دارد . (۳)

۱ - الكافی ج ۲ ص ۴۹۴ .

۲ - یعنی همه احکام دین را ظاهر میکند که در زمان ظهور او
بر طبق آنها عمل شود و تقیه نمیکند ، (مؤلف) .

۳ - غایة المرام ج ۱ ص ۴۲ .

مؤلف گوید: که امر نمودن بدوستی با آنحضرت بخصوص با وجود آنکه دوست داشتن جمیع ائمه علیهم السلام واجب است دلیل است بر اینکه در محبت با آنحضرت خصوصیتی است علاوه که موجب امر حقتعالی شد بان و در وجود مبارک آنجناب هم خصایصی هست که مقتضی تخصیص بذکر شد.

سی ام - پیاران آنحضرت دعاء نماید همچنانکه در دعای یونس بن عبد الرحمن که در جزء اول ذکر شد مذکور است.

سی و یکم - نفرین بدشمنان آنجناب کردن چنانچه در اخبار متعدده و در دعای مروی از خود آنحضرت وارد شده (۱)

سی و دوم - از خداوند عالم جل شانہ مسئلت نمایند که ما را از یاران آنحضرت قرار دهد چنانچه در دعای عهد نامه و غیره وارد شده.

سی و سوم - آنکه در دعاء کردن با آنجناب صداها را بلند کنند خصوصاً " در مجالس و محافل زیرا که علاوه بر آنکه تعظیم شعائر الله است، از بعض عبارات دعای ندبه که (۲) مروی از حضرت صادق علیه السلام است استحباب و رجحان آن ظاهر میشود.

سی و چهارم - صلوات فرستادن بر انصار و یاران آنحضرت زیرا که آن نوعی از دعای با آنها است، و در دعای عرفه از صحیفه مبارکه سجادیه ذکر شده، و از بعض ادعیه دیگر نیز استفاده میشود.

سی و پنجم - بنیابت آنحضرت طواف کعبه مشرفه نمودن، و

۱ - الاحتجاج ج ۲ ص ۳۱۶.

۲ - و آن عبارت این است " الی متی اجار فیک یا مولای والی متی، و در قاموس گفته: جار بمعنی بلند کردن صدا است بدعا و زاری کردن. (مؤلف).

همچنین نایب گرفتن که بنیابت آنحضرت طواف کند، و حقیر دلیل این مطلب را در کتاب مکیال المکارم بیان نموده‌ام در اینجا بجهت اختصار ذکر نشد.

سی و ششم - حج نمودن به نیابت از حضرت.

سی و هفتم - نایب فرستادن که حج نماید بجهت آنحضرت. (۱)

سی و هشتم - آنکه همه روز یا هر وقت ممکن شود تازه کند

عهد و بیعت با آنحضرت را، بدانکه معنی بیعت چنانچه اهل لغت گفته‌اند: عهد کردن و قرارداد نمودنست، و مقصود از بیعت و عهد با آنحضرت این است که اقرار کند مؤمن بزبان و ملتزم شود بقلب که اطاعت نماید آنجناب را و هر وقت ظهور فرماید او را یاری کند و این مطلب حاصل میشود با آنکه دعای عهد نامه کوچک را که در جزء اول این کتاب ذکر شد، یا دعای عهد نامه بزرگ را که ذکر میشود انشاءالله تعالی میخواند،

و اما دست دادن بدست کسی بعنوان اینکه بیعت با او بیعت

با امام است از جمله بدعت‌های مخترعه است و اصلاً "در آیات و احادیث وارد نشده است، بلی چون در عرب رسم بود که در مقام اظهار و

استحکام عهد و بیعت دست بدست هم میداده‌اند، در بعضی

احادیث وارد شده که حضرت رسول صلی الله و آله علیه مضافه

میفرمودند در مقام بیعت با مسلمانان و دست مبارک را در ظرف

آبی گذاردند و بیرون آوردند و امر فرمودند که زنها بیایند و

دستهای خود را در آن آب بزنند، و این مطلب دلیل نمیشود بر

۱ - دلیل این مطلب و مطلب قبل حدیثی است که در خرائج

روایت شده و بنده در مکیال المکارم نقل نموده‌ام و ترجمه‌اش در

نجم ثاقب مسطور است. (مؤلف).

اینکه در هر زمان حتی زمان غائب بودن امام علیه السلام هم این نحو از بیعت جائز باشد، بلکه از بعضی احادیث ظاهر میشود که در زمانی که ممکن نباشد بیعت با شخص امام یا پیغمبر صلی الله و آله علیه باید بهمان اقرار زبانی و التزام قلبی اکتفاء نمود و آن حدیث مفصلی است که جماعتی از علماء در کتب خود روایت کرده اند.

از آن جمله در تفسیر برهان از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت فرموده که:

"در روز غدیر بعد آنکه حضرت رسول صلی الله و آله علیه حضرت امیر علیه السلام را بخلافت نصب فرمودند و بیان جمله‌ای از فضائل او را نمودند فرمودند: ای جماعت مردم چون جمعیت شماها زیاد است و نمیتوانید همه دست بدست من بدهید حق تعالی مرا امر فرموده که از شماها بیعت بگیرم باینکه اقرار کنید بزبانهای خود بآنچه قرار دادم برای امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه‌ای که بعد از او هستند از ذریه من که از صلب او میباشند پس تمام شماها بگوئید که ما شنیدیم و راضی هستیم و فرمان بردار خداوندیم در باره" امیرالمؤمنین و ائمه از اولاد آنجناب (۱) تا آخر حدیث".

پس اگر جایز بود دست دادن بدست غیر امام بعنوان بیعت با امام هر آینه امر میفرمودند مردم را که بیعت کنند هر طایفه از آنها با یکی از بزرگان صحابه مانند سلمان و اباذر و غیر آنها، پس

۱ - تفسیر البرهان ج ۱ ص ۴۴۲.

معلوم میشود که این مطلب مختص پیغمبر و امام است در زمان ظهور او علیه السلام ، مثل جهاد که نیز مختص است بزمان حضور امام علیه السلام ، و علاوه بر این در هیچ کتاب حدیثی دیده نشده که در زمان ائمه علیهم السلام کسی بیعت کرده باشد باین نحو با احدی از بزرگان صحابه آنها و کسانی که خود ائمه علیهم السلام آنها را مرجع شیعیان خود قرار داده بودند .

سی ونهم - بعضی از فقهاء - مانند محدث عاملی رحمه الله در وسائل (۱) فرموده اند که : مستحب است بنیابت امام علیه السلام زیارت نمودن قبور ائمه اطهار علیهم السلام .

چهارم - در اصول کافی از مفضل روایت شده گفت : شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که فرمود :

" برای حضرت صاحب الامر علیه السلام دو غائب شدن اتفاق میافتد که بازگشت میکند در یکی از آنها - یعنی غیبت اولی - بسوی اهل خود ، و غیبت دومش آنقدر طول میکشد که گفته میشود مردود در کدام وادی رفت ، مفضل گوید : من گفتم چه کنیم در زمانی که آنحضرت غائب باشد و طول کشد غیبتش ؟ فرمودند :

اگر کسی در آن زمان ادعای کرد که منم صاحب الامر از او بپرسید و بخواهید چیزها شیرا که هیچ کس غیر امام نمیتواند از عهد برآید و جواب گوید . (۲)

۱ - وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۴۶۴ .

۲ - الکافی ج ۱ ص ۳۴۰ .

مؤلف گوید: یعنی مطالبی را که علم مردم بآنها نمیرسد از او بخواهید مثل خبر دادن از طفل که در رحم مادر است چه چیز است و چه وقت متولد میشود؟ و از خیالی که در قلب خود نموده‌اید از آنچه ذخیره و پنهان کرده‌اید که جز خدا کسی نمیداند و تکلم با حیوانات و جمادات و شهادت دادن آنها بر حقیقت و صدق او مانند اینها که مکرر از ائمه طاهرين عليهم السلام بظهور رسیده و در کتب مفصله مذکور است.

چهل و یکم - آنکه اگر کسی در زمان غائب بودن آنحضرت بغیبت کبری ادعاء نمود نایب بودن از جانب آنجناب را بنیابت خاصه او را تکذیب کنند و دروغ گو دانند چنانچه در توقیع شریف مروی در کمال الدین و احتجاج مذکور است.

چهل و دوم - آنکه وقت برای ظهور آن حضرت معین نکنند و اگر کسی وقت معینی برای ظهور آن جناب بگوید او را تکذیب کنند و دروغ گو دانند، در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بمحمد بن مسلم فرمودند:

" هر کس وقت معین کرد برای شما نترسید و او را تکذیب کنید، زیرا که ما برای هیچکس تعیین وقت نمیکنیم. (۱)

و در حدیث دیگر از فضیل منقول است که گفت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: آیا برای این امر وقت معینی هست؟ حضرت سه دفعه فرمودند که:

" دروغ میگویند کسانی که وقت برای آن معین میکنند" (۲)

۱ - الغیبه شیخ طوسی ص ۲۶۲.

۲ - الغیبه شیخ طوسی ص ۲۶۲.

و در کمال الدین از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده
که فرمود:

خبر داد مرا پدرم از پدرانش که بر رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفته شد چه وقت ظاهر
میشود قائم از ذریه شما؟ فرمود: مثل او مثل
قیامت است که هیچکس از وقت آن خبر ندارد جز
خداوند عالم جل شانه که آنرا بوقتی که باید ظاهر
میگرداند. (۱)

و احادیث در این باب بسیار است.

چهل وسوم - تقیه کردن از دشمنان است و معنی تقیه که واجب
است این است که شخص مؤمن در جایی که در اظهار حق کردن برای
او خوف ضرر عقلایی بجان یا مال یا آبروی او هست خود را نگاه
دارد و اظهار حق نکند بلکه اگر ناچار شد بجهت حفظ جان یا مال
یا آبروی خود به موافقت کردن با مخالفان بزبان با آنها موافقت
کند لکن قلب او مخالف زبان او باشد، در کمال الدین از حضرت
امام رضا علیه السلام مروی است که فرمودند:

"هر کس پرهیزکاری از معاصی ندارد دین ندارد
و هر کس تقیه نمیکند ایمان ندارد، و بد رستیکه
بهترین شماها نزد خداوند جل شانه آنکسی است
که بیشتر تقیه میکند، پرسیدند: یا بن رسول الله
تا چه زمان باید تقیه کرد؟ فرمودند: تا روز وقت
معلوم و آن روز خروج حضرت قائم ما علیه السلام
است پس هر کس ترک نماید تقیه را پیش از خروج

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۲ ص ۲۷۳.

حضرت قائم ما علیه السلام او از ما نیست. (۱)
و اخبار در خصوص واجب بودن تقیه بسیار است، و آنچه
عرض نمودم در بیان معنی تقیه واجب همان معنی حدیثی است که
در این باب در احتجاج از حضرت امیرالمومنین علیه السلام روایت
شده، و در آن حدیث سه مرتبه تاکید فرموده که مبادا ترک نمائید
تقیه کردن را که ترک تقیه باعث ذلت شما و ریخته شدن خون شما
و سایر مؤمنین میشود... تا آخر حدیث.

و در خصال شیخ صدوق رحمه الله بسند صحیح از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت امیرالمومنین علیه
السلام فرمودند:

" قوام دین بچهار نفر است - یعنی برپای بودن
احکام دین اسلام موقوف است بر بودن این چهار
طائفه: اول: عالمی که اظهار علم خود را
برای نادانها بکند و مطابق علم خود رفتار نماید،
دوم: دولتمندهائی که بخل نکنند و از زیادی مال
خود بمحتاجان عنایت کنند، سوم: فقرائی که
آخرت خود را بدنیان فروشند، چهارم: نادانهاییکه
از پرسیدن احکام و مسائل دین عارشان نشود و هر
چهارا نمیدانند از اصل علم بپرسند و یاد گیرند،
پس هر زمانی که علماء علم خود را آشکار و ظاهر
نکنند و دولتمندها بخل نمایند، و فقیرها آخرت
خود را بدنیان بفروشند و نادانها از پرسیدن
احکام دین عارشان آید و دنبال فهمیدن احکام

دینشان نروند دنیا بر میگردد و واژگون میشود
پس فریب ندهد شماها را بسیاری و جمعیت
مسجدها و بهنهای مردمان مختلف، عرض کردند: یا
امیرالمومنین چگونه با مردم آن زمان باید معاشرت
کرد؟ فرمودند: در ظاهر با مخالفان همراهی
کنید و در باطن با آنها مخالف باشید، آنگاه
فرمودند: هر کسی دچار کار خودش هست و با
هر کسی که او را دوست دارد محشور میشود و در
هر حال منتظر فرج و گشایش از جانب خداوند
عزوجل باشید. (۱)

و اخبار در این باب بسیار است و بنده در کتاب مکیال المکارم
جمله از آنها را روایت نموده‌ام.

چهل و چهارم - توبه کردن حقیقی است از گناهان اگر چه

توبه در هر زمان برگناه کاران واجب است و لکن اهتمام بان در این
زمان از این جهت است که یکی از اسباب غائب بودن حضرت صاحب
الامر عجل الله تعالی فرجه و طول غیبت آنجناب گناهان عظیمه
کثیره ماهها است که سبب منع و حبس آنحضرت شده از ظاهر شدن
چنانچه در بحار از حضرت امیرالمومنین علیه السلام روایت شده،
و در توقیع شریف مروی در احتجاج میفرماید که:

"حبس نمیکند ما را از شیعیان مگر آنچه بما

میرسد از اعمال زشت ناپسند آنها. (۲)

و معنی توبه پشیمان شدن از گناهان گذشته و عزم بر ترک آن

۱ - الخصال ص ۹۲.

۲ - الاحتجاج ج ۲ ص ۳۲۵.

است در زمان بعد و علامت آن تلافی و اجباتی است که از شخص فوت شده و ادای حقوق مردم که بر ذمه اوست و این که آب و نابود کنی گوشتی را که از معصیت در بدنت پیدا شده و اینکه بچشانی بجان خودت صدمه عبادت را بقدری که لذت معصیت را چشانیده‌ای و باین شش مطلب کامل و محقق میشود توبه چنانچه از آنحضرت یعنی از حضرت امیرالمومنین علیه السلام روایت شده در کتب متعدده ملتفت حال خودت باش، نگو بر فرض من توبه کنم سایر مردم که توبه نمیکنند باز امام من غائب است زیرا که گناهان همه باعث غائب بودن او و مانع از ظهور اوست، عرض میکنم: اگر همه خلق سبب حبس حضرت او شده‌اند تو ملتفت خودت باش تو شریک در حبس و منع او از ظهورش نباش میترسم کم کم حالت نظیر حال هرون الرشید که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را حبس کرد یا مامون که حضرت امام رضا علیه السلام را در سرخس حبس کرد، یا متوکل که حضرت امام علی النقی علیه السلام را در سامره حبس کرد.

چهل و پنجم - در روزه کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

" هر کس از شماها طلب میکند لقای حضرت قائم علیه السلام را باید از حق تعالی مسئلت نماید که با عافیت او را باین فیض برساند زیرا که حق تعالی فرستاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را برای رحمت و میفرستد حضرت قائم علیه السلام را برای نقت. (۱)

مؤلف گوید: یعنی از خداوند طلب کنید که آنجناب را با ایمان

و عافیت از ضلالت‌های اخرالزمان ملاقات نمائید تا مورد انتقام آن جناب نشوید .

چهل و ششم - آنکه موء من مردم را دوست آن حضرت گرداند بپای نمودن احسانهای آنجناب نسبت بآنها و برکات و خیرات وجود او برای ایشان و محبت آنجناب بایشان و مانند اینها ، سعی نماید در بجا آوردن اعمالی که سبب محبت و دوستی آن بزرگوار با او گردد .

چهل و هفتم - آنکه بسبب طول کشیدن زمان غیبت آنحضرت قلب تسو قساوت پیدا نکند ، یعنی دل سخت نشوی بلکه دلت نرم باشد دریاد آنحضرت خداوند عالم جل شانه در قرآن مجید در سوره^۱ حدید فرموده :

” اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ اوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ . (۱) ”

ترجمه ظاهر آیه^۱ شریفه اینست . آیا وقت نشده است برای موء منان که دل‌های آنها نرم شود بیاد خدا و آنچه از جانب او نازل شده است از کلمات حق و نبوده باشند مثل اهل کتاب که پیش از این بودند چون طول کشید بر آنها زمان غائب بودن پیغمبران آنها پس سخت شد دل‌های آنها و بسیاری از ایشان فاسق شدند یعنی از طاعت خداوند جل شانه بیرون رفتند و کافر شدند .

در برهان از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند :
” این آیه شریفه - که ذکر شد - نازل شده است

۱ - سوره الحدید آیه ۱۶

در خصوص کسانی که در زمان غیبت امام زمان
حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه
میباشد ، و بعد از آن فرموده : **إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** - یعنی بدانید که حقتعالی
زنده میگرداند زمین را بعد از آنکه مرده شده
باشد . (۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت فرموده که فرمود :
" مراد بمردن زمین کافر شدن اهل آنست ، و
مراد بزنده کردن آن احياء آن است بظهور حضرت
قائم علیه السلام که زمین را بعد از خود زنده
میکند ، و اهل آن را زنده میگرداند بعد از آنکه
مرده باشند . (۲)

و در کمال الدین بسند صحیح روایت شده که حضرت امیرالمومنین
علیه السلام فرمودند که ..

" از برای قائم ما غائب شدنی است که زمان آن
طولانی و دراز میشود ، گویا میبینم شیعیان را
که در زمان غائب بودن او از هر طرفی میروند
مانند چهارپایانی که بطلب علف و چراگاه میروند
و او را نمیابند ، بدانید که هر کس از آنها بر
دین خود ثابت بماند و قلب او بجهت طول زمان
غیبت امامش سخت نشود و قساوت پیدا نکند ،
پس اینچنین شخص با من خواهد بود در درجه

۱ - تفسیر البرهان ج ۴ ص ۲۹۱

۲ - تفسیر البرهان ج ۴ ص ۲۹۱ .

و مقام من در روز قیامت . (۱)

مؤلف گوید: ای مؤمنان و منتظران امام زمان دلتان خوش و چشمتان روشن باشد باین مزده و بشارت عظمی که اعظم بشارتهاست و سعی نمائید در اینکه دلتان نرم باشد و قلب شما قساوت پیدانکنند در زمان غائب بودن امام زمان علیه السلام ، اگر بگوئید که نرم بودن دل و سخت شدن آن از اختیار ما بیرون است ، عرض میکنم . راست میگوئید ولیکن مقدمات با اختیار شما است . یعنی میتوانید کاری بکنید که دلها نرم شود و میتوانید کاری بکنید که دلها سخت شود پس اگر از قساوت قلب و سختی دل میترسید آنچه باعث قساوت است ترک نمائید و آنچه باعث نرمی و رقت قلب است مواظبت بآن کنید ، چنانچه در مجمع البیان در تفسیر آیه مذکوره فرموده که :

"دلهای آنها سخت شد بسبب معصیتهای آنها (۲)
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی
است که :

"حق تعالی عقوبت نفرموده کسی را برای گناه
او بچیزیکه بدتر از قساوت قلب باشد .

پس در اینجا حقیر اشاره ببعض آنها میکنم که در کتب حدیث دیده ام برای تذکر خودم و برادران دینی خودم و من الله التوفیق
اما آنچه باعث نرمی دل میشود : حاضر شدن در مجالسی
است که ذکر آنحضرت میشود و بیان صفات و خصائص و حالات آنجناب
میشود ، و مجالسی که ذکر مواعظ و نصایح اهل بیت علیهم السلام

۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ج ۱ ص ۳۰۳ .

۲ - تفسیر مجمع البیان ج ۵ ص ۲۳۸ .

میشود ، و مجالسیکه قرائت آیات قرآن در آنها میشود بشرط تامل و تفکر در معانی آنها ، و همنشینی کردن با علمای عاملین و یا اهل طاعات و کسانی که هم آنها و فکر آنها در عالم آخرت است که از کلمات آنها شخص متنبه و دانا شود و از دیدن آنها شخص بیاد خداوند جل شانہ بیفتد و به اعمال صالحه آنها تاسی کند و رغبت در طاعات و عبادت نماید و بدنی و اهل دنیایی اعتناء شود ، و بقبرستانها رفتن ، و بسیار بیاد مرگ بودن ، و دست بر سر پتیمان کشیدن و بآنها مهربانی و نیکی کردن .

و اما چیزهائیکه باعث قساوت قلب میشود از آن جمله : ترک ذکر خداوند جل شانہ کردن است ، و غذای حرام خوردن ، و با اهل دنیا نشستن و بمنزل آنها بسیار رفتن و غذای سیر خوردن ، و بسیار خندیدن ، و بسیار بفکر خوراک و شکم بودن ، و بسیار سخن گفتن در چیزهائیکه فائده اخرتی ندارد ، و طول امل - یعنی آرزوهای دورو دراز - داشتن و نمازرا از اول وقت تاخیر انداختن ، و با اهل معصیت و کسانی که از فسق و گناه پاک ندارد نشستن و رفت و آمد کردن ، و بسخنان بیپهوده که فائده اخرتی ندارد گوش دادن ، و برای لہو و لعب بشکار رفتن ، و در امور دنیا ریاست کردن ، و بمنزل روسا رفتن ، و بازنہا بسیار مجالست نمودن ، و زیادتی مال دنیا ، و ترک توبہ نمودن ، و بصدای ساز گوش دادن ، و شراب و هر چیز مست کننده خوردن بلکه هر چیز حرامی چنانچه ذکر شد ، و ترک مجلس اهل علم نمودن - و مقصود از مجلس اهل علم که حاضر شدن در آن باعث نرمی دل میشود آن مجلسی است که ذکر احکام دین و احادیث و مواعظ ائمه طاهرین و حالات امام زمان علیہ السلام آیات قرآن بشود بخصوص اگر گوینده هم عملش مطابق با موعظه و قولش باشد که تاثیر خاصی در قلب شنونده مینماید ، از حضرت صادق علیہ

السلام مرویست که فرمودند:

" هر کسی که بنشیند در مجلسی که احیاء امر ما
میشود نمیبرد دل او در روزی که دلها میمیرد
یعنی روز قیامت مسرور و آسوده است .

مجملاً " دلها را نرم کنید و از قساوت قلب بترسید ، میترسم
کار بجائی برسد که دیگر موعظه بدلها اثر نکند و از رحمت خداوند
جل شانہ بی نصیب گردد .

چهل و هشتم - اتفاق نمودن بریاری امام زمان علیه السلام
باین معنی که دلهای مؤمنین با هم متفق باشد و هم عهد شوند در
یاری آنحضرت و وفای بعهدی که با آنجناب مینمایند ، در توقیعی
که از ناحیه مقدسه برای شیخ مفید رحمه الله تعالی آمده و ان آخر
توقیعی است که شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی رحمه الله
در کتاب احتجاج نقل کرده میفرماید که :

" اگر شیعیان ما با هم یکدل و متفق میشدند در
وفاء بعهدی که بر آنها هست هر آینه ظهور من
عقب نمیافتاد و زودتر بسعادت زیارت جمال من
فائز میشدند . (۱)

چهل و نهم - اهتمام نمودن در اداء کردن حقوق مالیه که
بر ذمه آنها تعلق میگیرد از قبیل زکوة و خمس و سهم امام علیه السلام
و این مطلب هر چند در تمام زمانها واجب است لکن در زمان
غائب بودن امام علیه السلام اثر مخصوصی دارد که اهتمام به آن
شده و سفارش و امر به آن فرموده ، در همان توقیع شریف میفرماید :
" ما با تو عهد میکنیم که هر کدام از اخوان دینی

۱ - الاحتجاج ج ۲ ص ۳۲۵ .

تواز خداوند جل شانه بترسد و آن حقوق مالیه که
 بر ذمه اوست از مالش بیرون کند و به مستحقش
 برساند ایمن و محفوظ میماند از فتنه های گمراه
 کننده و امتحانهائی که عارض میشود، و هر کدام
 بخل کنند و اداء نکنند آنچه را که حق تعالی امر
 فرموده که بدهند و بعال عاریتی که بایشان داده
 صلّه نمایند کسانی را که امر فرموده بصلّه نمودن
 آنها، پس میباشد باین سبب زیان کار در دنیا و
 آخرت . (۱)

تنبیه: بدانکه از جمله حقوق مالیه بر شخص اینست که هر
 سالی قدری از مال خود را بمصرف امام زمان خود علیه السلام
 برساند و این غیر از سهم امام واجب است، زیرا که سهم امام در
 چیزهای مخصوصه است بشرائط مخصوصی که در کتب فقهیه مذکور
 است، و این مطلب - یعنی تعارف دادن بجهت امام زمان علیه
 السلام - شرط مخصوصی ندارد بلکه بر همه کس چه فقیر باشد چه
 غنی سزاوار بلکه لازم و مؤکد است که هر سالی قدری از مال خود را
 هدیه امام زمان خود قرار دهد.

درمجلد بیستم بحار و جلد اول برهان روایت شده از مفضل
 گفت: روزی وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و با من چیزی
 بود که برای آنجناب هدیه برده بودم، پس گذاشتم در حضور
 محترم او، فرمود: چه چیز است و عرض کردم: تعارفی است از
 دوستان و غلامان شما، فرمود:

" ای مفضل من قبول میکنم تعارف شما را لکن نه

بجهت آنکه محتاج به آنم بلکه بجهت آنکه سبب پاکیزه‌گی شما باشد، آنگاه فرمودند که: شنیدم از پدرم که میفرمودند هر کس یکسال بر او بگذرد و چیزی از مال خود را هدیه ندهد برای ما خواه کم خواه زیاد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو نمیفرماید مگر آنکه حق تعالی از او عفو فرماید، آنگاه فرمود: ای مفضل این فریضه ایست که خداوند عالم جل شانہ لازم گردانیده بر شیعیان ما در کتاب خودش آنجا که میفرماید: "لَنْ تَفَالُوْا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ" یعنی نخواهید رسید بمقام برتر و نیکوئی مگر آنکه در راه خدا صرف کنید از آنچه دوست میدارید. (۱)

و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت کرده‌اند که در تفسیر آیه شریفه "وَالَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ مَا مَرَّ بِاللّٰهِ بِهِ اِنْ يُّوْصَلْ" یعنی آنکسانیکه صلہ میکنند آنرا که حقتعالی امر بصلہ آن فرموده است - فرمودند: "مراد صلہ کردن امام است در هر سالی از آنچه کم باشد، یا زیاد باشد آنگاه فرمودند: اراده نفرموده حقتعالی باین مطلب مگر آنکه شماها "پاکیزه و نیکو شوید. (۲)

و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت فرموده که فرمودند: "ترک نکنید هدیه دادن از برای آل محمد صلی

۱ - تفسیر البرهان ج ۱ ص ۲۹۷، آیه شریفه در سوره آل

عمران آیه ۹۲.

۲ - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۲۸۹.

الله و آله علیه را از اموال خودتان ، هر کدام
دولتمندهستید بقدر توانائی و دولت خود و هر
کدام فقیر هستید باندازه فقر خود ، و هر کس
بخواهد که حق تعالی روا فرماید اهم حوائج او را .
پس بساید هدیه نماید برای آل محمد صلی الله
علیه و آله و شیعیان آنها آنچه را که بیشتر بآن
احتیاج دارد از مال خودش . (۱)

و در فقیه از آنحضرت مرویست که فرمود :

" یک درهم که هدیه کنی برای امام خود افضل
است از هزارهزار درهم که در امور خیریه دیگر
صرف کنی . (۲)

مؤلف گوید : از رؤیاهای صادقانه شبی در خواب دیدم شخص
جلیلی را که فرمود شخص مؤمن که چیزی از مال خود را در زمان
غائب بردن امام علیه السلام بمصرف امام برساند
نوابش هزارویک

مقابل آنستکه در زمان حضور امام علیه السلام تقدیم او نماید ، و
در امر پنجاه و یکم ذکر میشود حدیثی مؤید این مطلب .

پوشیده نماند که در این زمان که امام ما علیه السلام غائب
است آنعالی را که مؤمن میخواهد هدیه آن حضرت کند باید صرف
کند ، در محلی که میداند رضای آنحضرت را در آن ، مثل آنکه صرف
چاپ کردن کتب متعلقه بآنحضرت کند ، یا مجالسی که ذکر فضائل
و آداب او شود ، یا بدوستان آنحضرت داده شود بقصد هدیه آنحضرت

۱ - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۲۸۹ .

۲ - من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۷۳ .

اَلَا هُمْ فَالَا هُمْ وَاللّٰهُ الْعَالَمُ .

و از جمله حقوق مالیه نیز صله رحم است ، یکی از آنها نیز دادن ماعون است - یعنی اسباب خانه مثل دیگ و ظرف و چراغ و بیل و تیشه - اگر همسایه‌ها محتاج شدند بآنها عاریه بدهند ، یا چیزهای کم قیمت مثل نمک و ادویه و آتش و نحو آنها اگر خواستند بآنها بدهند .

پنجاهم - مرابطه است ، بدانکه مرابطه دو قسم است :

اول : آنستکه فقهاء در کتاب جهاد گفته‌اند و مقصود از آن اینستکه شخص در یکی از سرحدات یعنی جاهائیکه نزدیک بلاد کفار است ، بماند و اسب خود را نگاه دارد از برای آنکه اگر کفار بر مسلمانان هجوم کنند یا قصد بلاد مسلمین کنند آنها را خبردار نماید و اگر دفاع لازم شد ، دفع شرکفار را از مسلمانان بکند . و این عمل در زمان حضور امام علیه السلام و زمان غیبت او هر دو مستحب موکد است ، چنانچه علامه رحمه الله در ارشاد و شهید رحمه الله در روضه فرموده‌اند ، و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که :

" هر میتی نامه عمل او پیچیده میشود و فعل او منقطع میشود از هنگام مردن او مگر آنکسی که مرابطه نموده باشد ، در راه خدا که عمل او زیاد میشود تا روز قیامت و ایمن میشود از آن ملکی که در قبور مرده‌ها را امتحان میکند .

و در حدیث دیگر است که در جواهر از منتهی نقل فرموده که آنحضرت فرمودند :

" مرابطه یکشبه ثوابش بیشتر است از اینکه شخص یکماه روزها روزه باشد و شبها بعبادت قیام

نماید. (۱)

و این قسم از مرابطه دو شرط دارد: یکی آنکه در سرحدی از سرحدات باشد بجهت آنکه حفظ بلاد اسلام و شرع خیر الانام از دست درازی اجانب توقف بر آن دارد و از این جهت فرموده اند که هر گاه خود شخص نمیتواند در آن مکان بماند ناییبی از جانب خود قرار دهد که آنجا بماند، شرط دیگر آنکه کمتر از سه روز نباشد که این اقل زمان مرابطه است چنانچه در ارشاد و غیره تصریح فرموده اند و اکثر زمان آن چهل روز است پس اگر زیاده بر چهل روز بماند جزء مجاهدین محسوب میشود و ثواب مجاهد فی سبیل الله را دارد.

قسم دوم مرابطه آن است که شخص مؤمن اسب و سلاح خود را مهیا نماید و نگاه دارد برای اینکه اگر امام علیه السلام ظهور فرماید آنحضرت را یاری نماید و این قسم از مرابطه زمان معینی ندارد مگر معینی هم ندارد، در روضه کافی از ابو عبد الله جعفری روایت شده گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام بمن فرمودند:

"چند روز است منتهای زمان مرابطه در نزد شما؟ گفتم چهل روز، حضرت فرمودند: لکن مرابطه ما مرابطه ایست که همیشه روزگار هست و هر کس مرابطه نماید در راه ما - یعنی مهیا نماید برای یاری ما اسبی را - می باشد از برای او بقدر دو وزن آن دابه مادامیکه او را نگاه داشته - یعنی این اندازه از ثواب برای او هست از قبیل تشبیه معقول بمحسوس، یا آنکه ثواب انفاق کردن دو وزن طلا و نقره در راه خدا چنانچه مجلسی رحمه الله در

۱ - جواهر الکلام مجلد حج و جهاد ص ۵۵۵

شرح حدیث فرموده و الله تعالی هو العالم ، فرمود
و هر کس مهیا نماید و نگاه دارد برای ما سلاحی
را - یعنی اسباب جنگی را - میباشد از برای او
از ثواب باندازهٔ وزن آن مادامیکه نزد او هست
آنگاه فرمود :

جزع نکنید از یک دفعه و دو دفعه و سه دفعه و
چهار دفعه - یعنی اگر مکرر دیدید که ائمهٔ حقه
مظلوم و مقهور شدند و بارها دشمنان بر آنها
غلبه نمودند شماها ناامید از نصرت امام خود
نباشید و مطمئن باشید که حق تعالی بوعده خود
وفا میکند و او را یاری مینماید و غالب میگردد
شما خود را مهبای یاری او نمائید و منتظر وقت
باشید بدرستیکه مثل ما و شماها مانند پیغمبری
است که در بنی اسرائیل بود پس خداوند جل
شانه با و وحی فرمود که قوم خود را بجهاد دعوت
کن زیرا که من یاری میکنم تو را ، پس آنها را از هر
جا که بودند جمع نمود و باتفاق هم روی بسوی
دشمن نهادند هنوز شمشیر و نیزه‌های بکار نبرد نبودند
که دشمنان بر آنها غلبه کردند و ایشان روی بهزیمت
نهادند ، دفعهٔ دوم حق تعالی شانه وحی فرمود بآن
پیغمبر که قوم خود را بسوی جهاد دعوت کن به
درستی که من یاری میکنم شما را ، چون قوم خود را
دعوت بجهاد نمود گفتند : تو وعده نصرت بما
دادی و ما مغلوب شدیم ، حق تعالی وحی فرمود
بآن پیغمبر که اگر جهاد نکنید مستوجب آتش

عذاب خواهد بود. عرض کرد: خدایا جهاد با کفار بهتر است از آتش عذاب. پس دعوت کرد قوش را بجهاد پس سبزد و سیزده نفر از آنها اجابت نمودند دعوت او را بعد اهل بدر، پس آن پیغمبر با آن سبزد و سیزده نفر روی بسوی دشمن نهادند هنوز شمشیر و نیزه‌ای بکار نبرده بودند که حق تعالی آنها را نصرت و یاری فرمود و فتح نمودند و بر دشمنان غالب شدند. (۱)

و اخبار دیگر هم در این مطلب وارد شده و حقیر در کتاب مکمال المکارم آنها را روایت نموده‌ام.

پنجاه و یکم: اهتمام نمودن در تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده و بجا آوردن طاعات و عبادات شرعیه و اجتناب کردن از معاصی و گناهایی که در شرع مقدس از آنها نهی شده است زیرا که مراعات این امور در زمان غیبت امام سخت تر از زمان ظهور است به ملاحظه زیادتی فتنه‌ها و بسیاری ملحدین و مکین که در صد گمراهی مؤمنین میباشند، و لهذا در حدیث نبوی وارد شده که فرمودند:

" یا علی قومی که از همه کس یقین آنها عظیم تر و نیکوتر است آن کسانی هستند که در آخر الزمان پیدا میشوند که پیغمبر را ندیده‌اند و امام آنها از نظرشان غایب است با وجود این ایمان می‌آورند با حدیث ما که در کتابها نوشته شده. (۲)

و در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

۱ - روضه کافی ص ۳۸۱.

۲ - اکمال الدین واتمام النعمه ج ۱ ص ۲۸۸.

" هر کس دوست میدارد که از اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه بوده باشد پس باید منتظر ظهور آنحضرت باشد و بپرهیزکاری و نیکوئی اخلاق رفتار نماید در زمانی که انتظار آنحضرت را دارد پس چنین کسی اگر پیش از ظهور آن بزرگوار اجلش رسید و مرداز برای او هست مثل ثواب آن کسانی که در زمان حضرت قائم علیه السلام باشند و او رایاری نمایند. (۱)

و در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند :

" یک نماز واجب در مثل این زمان که شخص موءمن بجا آورد ثواب بیست پنج نماز واجب دارد که در زمان ظهور و استیلای امام بجا آورد و یک نماز نافله که در مثل این زمان بجا آورد ثواب ده نماز نافله دارد که در زمان ظهور و استیلای امام بجا بیاورد و هر موءمنی که عمل خیری در مثل این زمان بکند بیست مقابل زمان ظهور و استیلای امام علیه السلام برای او نوشته میشود ، آنگاه فرمودند که هر موءمنی از شماها که عمل خود را نیکو نماید و به تقیه رفتار کند از برای حفظ دین و حفظ امام خودش و حفظ جان خودش و نگاه دارد زبسان خودش را خداوند عالم جل شانہ حسنات آن موءمن را باضعاف مضاعفه یعنی چندان برابرها - زیاد میگرداند .

بدرستی که حق تعالی کریم است - تا آخر
حدیث . (۱)

و اگر بگوئی که در این زمان که امام ما علیه السلام غائب است چگونه به تقیه حفظ او باید نمود؟ عرض میکنم: بسا میشود که در جائیکه تقیه واجب است همینکه ترک تقیه نمودی سبب بی ادبسی نمودن دشمنان بنام آن حضرت میشود و ببدی آنجنابرا نسبت میدهند و آنچه نباید بگویند میگویند، پس تو سبب آن شده ای و امام خود را حفظ نکرده ای خداوند عالم جل شانهدر قرآن مجید فرموده است:

"وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا
اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ . (۲)

و اخبار در این باب بسیار است .

پنجاه و دوم - در روزهای جمعه و عید غدیر و عید فطر و عید قربان دعای ندبه را که متعلق به آنجناب است و در زاد المعاد مسطور است با حالت خوش و توجه بخوانند .

پنجاه و سوم - آنکه در روزهای جمعه که متعلق بآنحضرت است خود را مهمان آنجناب دانند و آنحضرت را زیارت نمایند باین زیارت که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب جمال الاسبوع ذکر فرموده:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ
اللَّهِ الَّذِي بِهِ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ

۱ - الكافي ج ۱ ص ۳۳۳ .

۲ - سوره الانعام آیه ۱۰۸ .

المومنين ، السلام عليك ايها المهذب الخائف
 السلام عليك ايها السولي الناصح ، السلام
 عليك ياسفينة النجاة ، السلام عليك يا عين
 الحيوه ، السلام عليك صلى الله عليك و علي
 آل بيتك الطيبين الطاهرين ، السلام عليك عجل
 الله لك ما وعدك من النصر و ظهور الامر ، السلام
 عليك يا مولاي انا مولاك عارف باولاك و اخريك
 اتقرب الي الله تعالى بك و بال بيتك و انتظر
 ظهورك و ظهور الحق علي يدك ، واسئل الله ان
 يصلي علي محمد و آل محمد و ان يجعلني من
 المنتظرين لك و التابعين و الناصرين لك علي
 اعدائك و المستشهدين بين يدك في جملة
 اولياءك ، يا مولاي يا صاحب الزمان صلوات الله
 عليك و علي آل بيتك هذا يوم الجمعة و هو يومك
 المتوقع فيه ظهورك و الفرج فيطلبوه منين علي يدك
 و قتل الكافرين بسيفك و انا يا مولاي فيد ضيفك و
 جارك و انت يا مولاي كريم من اولاد الكرام و مامور
 بالاجارة فاضني و اجرني صلوات الله عليك و
 علي اهل بيتك الطاهرين . (۱)

پنجاه و چهارم - در کمال الدين و جمال الاسبوع بسندهای
 صحیح و معتبر روایت شده از شیخ ثقفی جلیل القدر عثمان بن سعید
 عمروی که امر فرمود بخواندن این دعاء و فرموده این دعائی است که
 باید شیعیان در زمان غائب بودن امام علیه السلام بخوانند .

مؤلف گوید : این بزرگوار نائب اول بود از نواب اربعه امام
 در زمان غیبت صفری و در مقام خود محقق شده که آنچه ایشان به
 آن امر میفرمودند از جانب حضرت صاحب الامر روحی له الفداء
 بآن امر شده بود ، پس هر وقت حالتی داشته باشی ایندعای شریف
 را بخوان و کوتاهی نکن خصوصا " بعد از نماز عصر روز جمعه ، سید
 جلیل علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع فرموده که اگر هیچ
 دعائی نتوانی بخوانی بعد از نماز عصر روز جمعه پس این دعاء را
 بخوان و بجهت هیچ عذری ترک نکن بجهت امریکه مطلع شدیم ما
 بر آن از فضل خداوند عالمیان جل شانہ که مرابآن اختصاص داده
 و از این عبارت چنین ظاهر میشود که در این مطلب امری از حضرت
 صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بجناب سید رحمه الله رسیده . و
 این از مقامات سید دور نیست و دعای شریف این است :

" اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَانْكُ انِّ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ
 لَمْ أَعْرِفْكَ وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ
 فَانْكُ انِّ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَانْكُ انِّ
 لَمْ تَعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِتَّنِي
 مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ
 فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ
 أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ
 وَالِائَةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ
 عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا
 وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ
 أَسْتَعْمِلُنِي بِطَاعَتِكَ وَلِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَعَافِنِي

مما امتحنت به خلقك و ثبتني على طاعة ولي
امرک الذي سترته عن خلقك فباذنك غاب عن
بريتك و امرک يستظر و انت العالم غير معلم
بالوقت الذي فيه صلاح امر وليك في الاذن له
باظهار امره و كشف ستره فصبرني على ذلك حتى
لا احب تعجيل ما اخرت و لا تاخير ما عجلت و لا
اكشف عما سترت و لا ابحث عما كتمت و لا انازعك
في تدبيرك و لا اقول لم وكيف و ما بال ولي الامر
لا يظهر و قد امتلئت الارض من الجور و افوض
اموري كلها اليك اللهم اني اسئلك ان تربي
ولي امرک ظاهرا " نافذ الامر مع علمي بان لك
السلطان و القدرة و البرهان و الحجة و المشيئة و
الحول و القوة فافعل ذلك بي و بجميع المؤمنين
حتى ننظر الي وليك صلواتك عليه و آله ظاهر
المقالة واضح الدله هاديا " من الضلالة شافيا
من الجهالة ابرز يارب مشاهدته و ثبت قواعده
و اجعلنا ممن تقر عينه برويته واقمنا بخدمته و
توفنا على ملته و احشرنافي زمرة اللهم اعذه
من شرجميع ما خلقت و برات و ذرات و انشأت و
صورت و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن
يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته بحفظك
الذي لا يضيع من حفظته به و احفظ فيه رسولك
و وصي رسولك عليهم السلام : اللهم ومدني
عمره و زدني اجله و اعنه على ما وليته و استرعيته
و زدني كرامتك له فانه الهادي المهتدي و القائم

المهدى والطاهر النقى الزكى النقى الرضى المرضى
 الصابر الشكور المجتهد ، اللهم ولاتسلبنا اليقين
 لطول الامد في غيبته وانقطاع خبره عنا ولاتنسنا
 ذكره وانتظاره والايمان به وقوة اليقين في ظهوره
 والدعاء له والصلوة عليه حتى لاتقنطننا طول غيبته
 من ظهوره وقيامه و يكون يقيننا في ذلك
 كيقيننا في قيام رسول الله صلى الله عليه وآله
 و ما جاء به من وحيك و تنزيلك و قلوبنا
 على الايمان به حتى تسلك بنا عنى يديه
 منهاج الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى
 و قوتنا على طاعته و ثبتنا على متابعتهم و
 اجعلنا في حزبه و اعوانه و انصاره والراضين
 بعله و لاتسلبنا ذلك في حياتنا و لأعدنا
 وفاتنا حتى نتوفانا و نحن على ذلك لاشاكين
 و لاناكثين و لأمرتابين و لامكذبين ، اللهم
 عجل فرجه و ايده بالنصر و انصر ناصريه و
 اخذل خاذليه و دمدم على من نصب له و
 كذب به و اظهر به الحق و امت به الجور و
 استنقذ به عبادك المؤمنين من الدل و انعش
 به البلاد و اقتل به جبابة الكفر و اقصم به
 رؤس الضلالة و ذلل به الجبارين و الكافرين
 و ابر به المنافقين و الناكثين و جميع المخالفين
 والملحدين في مشارق الارض و مغاربها و برها
 و بحرها و سهلها و جبلها حتى لاتدع منهم
 ديارا و لاتبقى لهم آثارا " طهر منهم بلادك

وَأَشْفِرْ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا
 امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ
 وَغَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى
 يَدَيْهِ غَضًا "جَدِيدًا" صَحِيحًا "لَا عِوَجَ فِيهِ"
 وَلَا يَدْعُمُهُ حَتَّى تَطْفَأَ بَعْدَ لِهْ نِيرَانِ الْكَافِرِينَ
 فَإِنَّ عَبْدَكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَرْتَضِيَتْهُ
 لِنَصْرَةِ دِينِكَ وَأَصْنَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ
 الذَّنُوبِ وَبَرَّائِهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى
 الْغُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجَسِ
 وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى
 آبَائِهِ الْأَتْعَالَ طَاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُنْتَجِبِينَ
 وَبَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَانِهِمْ مَا يَأْمَلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ
 مَنَاقِلًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشَبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسَعَمَةٍ
 حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ
 اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا
 وَرَشْدَةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ
 تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا
 اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ (فَافْرَجْ خ ل) ذَلِكَ بِفَتْحِ مَنْكَ
 تَعَجَّلْهُ وَنَصْرًا مِنْكَ تُعَزِّهُ وَإِمَامًا عَدْلًا يُنْظِرُهُ
 إِلَهُ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ . .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْئَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لِرُؤْيَاكَ فِي إِظْهَارِ
 عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ
 حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجُورِ يَا رَبِّ أَدْعَامَةَ الْأَقْصَمَتِهَا وَلَا
 بَقِيَةَ الْأَفْنِيَّتِهَا وَلِاقْوَةِ الْأَوْهَنْتِهَا وَلَارْكَنَا
 الْأَهْدَدَتِهَا وَلِأَحَدَا الْأَقْلَنَتِهَا وَلَا سِلَاحَا "الْأ

اَكَلْتَهُ وَلَا رَايَةً اَلَا نَكَسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا " اَلَا قَتَلْتَهُ
 وَلَا جَيْشًا " اَلَا خَذَلْتَهُ وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ
 الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَبَأْسِكَ الَّذِي
 لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبِ اَعْدَاءَكَ
 وَ اَعْدَاءَ دِينِكَ وَ اَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
 وَ آلِهِ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَ اِيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ اَكْفِرْ
 وَلِيَّكَ وَ حَجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كَيْدِ مَنْ كَادَهُ
 وَ اَمْرٍ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَ اَجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوْءِ عَلَيَّ مِنْ
 اِرَادَتِهِ سُوْءًا وَ اَقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَهُمْ وَ اَرْعَبْ لِهٰ قُلُوْبِهِمْ
 وَ زَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ وَ خُذْهُمْ جِهْرَةً فِي بِلَادِكَ وَ اَسْكَنْهُمْ
 اَسْفَلَ نَارِكَ وَ اَحِطْ بِهِمْ اَشَدَّ عَذَابِكَ وَ اَصْلِهِمْ نَارًا "
 وَ اَحْشِ قُبُورَ مَوْنَاهُمْ نَارًا " وَ اَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَ اَنْهَمُ
 اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ وَ اَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ
 اَخْرَبُوا بِلَادَكَ اَللّٰهُمَّ وَ اِحْيِ بُولِيكَ الْقُرْآنَ وَ اَرِنَا نُوْرَهُ
 سِرْمَدًا " لَا ظَلَمَ فِيْهِ وَ اِحْيِ بِهَا الْقُلُوْبَ الْمَيْتَةَ وَ اَشْفِ بِهَا
 الصُّدُوْرَ الْوُغْرَةَ (١) وَ اَجْمَعْ بِهَا الْاَهْوَاءَ الْمَخْتَلِفَةَ
 عَلَيَّ الْحَقِّ وَ اَقِمْ بِهَا الْحُدُوْدَ الْمَعْظَلَةَ وَ الْاَحْكَامَ الْمَهْمَلَةَ
 حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ اِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ اِلَّا زَهَرَ وَ اَجْعَلْنَا -
 يَا رَبِّ مِنْ اَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ وَ الْمَوْءِ تَمْرِيْنَ لِاَمْرِهِ
 وَ الرَّاْضِيْنَ بِفَعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ لِاَحْكَامِهِ وَ مَنْ لَّا حَاجَةَ
 اِلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اَلِيَّ التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ اَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرْرَ

۱ - یعنی خدایا شفاء ده بظهور حضرت صاحب الامر -
 علیه السلام سینه های مؤمنین را که از فراق او کباب است -
 (مولف) .

(السوء خ ل) وَ تَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تُنَجِّي
 مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَ اكْشِفِ الضَّرْعَيْنِ وَ لِيكَ وَ اجْعَلْهُ
 خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ اللَّهُمَّ وَ لَا تُجْعَلِنِي
 مِنْ خِصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَا تُجْعَلِنِي
 مِنْ أَعْدَائِهِمْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَا تُجْعَلِنِي مِنْ
 أَهْلِ الْحَنْقِ وَ الْغَيْظِ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعِذْنِي وَ اسْتَجِيرُ بِكَ
 فَأَجِرْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِنِي
 بِهِمْ فَائِزًا " عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
 آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . (۱)

فصل : بدانکه بحسب ادله عقلیه و نقلیه از جمله مطالب مهمه
 لازمه در این زمان دانستن صفات و خصوصیات حضرت صاحب الامر
 عجل الله تعالی فرجه است و چون این مختصر گنجایش بیان تمام
 آنها را ندارد لهذا بیست چیز از آنها را مختصرا " در این کتاب بیان
 میکنم از کتب معتبره مانند کافی و کمال الدین و محجه و بحار و نجم
 ثاقب تا بر هر کسی واضح شود که امام زمان چگونه باید باشد :
 اول : آنکه خروج آن حضرت برای جهاد از مکه معظمه اتفاق
 میافتد و آن ظهوریست علانیه و آشکار که همه کس بر آن مطلع
 میشوند .

دوم : آنکه مقارن ظهور آنجناب منادی از طرف آسمان نداء
 میکند با اسم آن حضرت و پدر بزرگوارش و اجدادش تا حضرت سید
 الشهداء بطوری که تمام خلایق میشنوند و میفهمند
 هر طائفه ای بزبان خودشان و چون آن نداء بلند شود هر کس

خواب باشد بیدار شود و هر کس ایستاده باشد بنشیند و هر کس نشسته باشد برخیزد از هیبت آن صدا و آن ندای جبرئیل است.

سوم: آنکه همیشه ابری سفید بر سر مبارکش سایه میاندازد و از میان آن ابر صدائی بیرون میآید که " این اسبت مهدی خلیفة الله پس او را متابعت کنید " و این روایت را علمای سنی هم روایت کرده‌اند.

چهارم: آنکه چنان نور جمالش عالم را روشن میکند که از برکت نور جمالش مردم بنور آفتاب و ماه محتاج نمیشوند.

پنجم: آنکه ظاهر میفرماید آن سنگی را که حضرت موسی علیه السلام عصای خود را بر آن زد و دوازده چشمه جاری شد و چون میخواهد از مکه حرکت فرماید منادی آنحناب ندا میکند که: " هیچکس طعام و آبی بر ندارد برای توشه راه و علف برای حیوانات بر ندارد، پس آن سنگ را بار شتری میکنند و بهر منزلی میرسند نصب مینمایند هر کس هر طعامی بخواد از او بیرون میآید و هر کس تشنه باشد برای او آب جاری میشود و هر کس علف برای حیوان خود بخواد از او بیرون میآید پس آن سنگ را در آنمکان شریف نصب کنند و دائما " آب و شیر از آن جاری باشد هر کس بخورد سیر شود و هر تشنه بنوشد سیراب گردد.

ششم: ظاهر میفرماید عصای حضرت موسی علیه السلام را که میترساند مخالفان را و بلع میکند خیلهای آنها را و هر کاری که موسی بآن عصا میکرد آن حضرت میفرماید.

هفتم: صبح آن شبی که آن حضرت در مکه ظهور میفرماید هر مؤمنی از خواب برمیخیزد هر کجا هست میبیند در زیر سر او صحیفه ایست که بر آن نوشته شده " طاعة معروفة "

هشتم : آنکه مؤمنین در بلاد دور میبینند آنحضرت را چنانچه در نزد آنها است باعجاز آن جناب .

نهم : زمانیکه ظهور میشود تمام مریضهای مؤمنین و مؤمنات صحت پیدا میکنند بطوریکه یکنفر ناخوش در همه عالم پیدا نمیشود .

دهم : تمام فقرای مؤمنین را غنی میگرداند که یکنفر فقیر در تمام دنیا پیدا نمیشود و قرض تمام شیعیان را اداء میفرماید .

یازدهم : تمام مؤمنین و مؤمنات دانا میشوند با حکام دین که هیچکس محتاج بدیگری نیست .

دوازدهم : عمرهای ایشان دراز میشود تا آنکه هر یک هزار پسر پیدا میکنند و در روایتی هست که هر چه بزرگ میشوند لباسهای آنها هم بلند میشود و بهر رنگ که بخواهند بهمان رنگ میشود .

سیزدهم : آنکه تمام راهها و بلاد امن میشود .

چهاردهم : روایات شیعه و سنی متفق است بر اینکه در زمان ظهور آنحضرت چنان عدل آنجناب دنیا را پر میکند که هیچکس بدیگری ظلم نمیکند .

پانزدهم : آنکه بعلم باطن حکم میفرماید و تمام کفار و منافقین را میکشد اگر چه بظاهر در زمره اصحاب او باشند و دین اسلام را در تمام روی زمین رواج میدهد و جزیه قبول نمیکند و مانع زکوة را گردن میزنند .

شانزدهم : بر تمام پادشاهان غالب میشود و در تمام عالم سلطنت او ظاهر و مستولی میگردد .

هفدهم : در زمان ظهور آن حضرت حیوانات درنده و غیر آنها با هم انس میگیرند .

هجدهم : سنگها با اصحاب آنحضرت سخن میگویند و اگر کافری در زیر سنگی پنهان شود آن سنگ مؤمن را نداء میکند که "ای

مؤء من درزیر من کافری است او را بقتل رسان.

نوزدهم: لشکر سفیانی که در بعضی روایات سیصد هزار نفر ذکر شده اند بجهت قتل آن حضرت از مدینه بجانب مکه روند، در ابتدای ظهور آنحضرت چون به بیابانی مابین مکه و مدینه رسند جبوتییل صیحه زند که "ای زمین اینها را فروبهر" بیکدفعه تمام آنها با حیوانات و اسباب جنگ بزمین فرو روند جز دو نفر یا سه نفر.

بیستم: آنکه با عجاز و برکت آنجناب حق تعالی جماعت بسیاری از مخالفین را زنده گرداند برای انتقام

و بنده روایات مطالب مذکوره را در کتاب مکیال المکارم ذکر نمودهام.

فصل: در کتاب مقیاس و انوار و زاد المعاد و غیر آنها از حضرت صادق علیها السلام روایت شده که:

هر کس چهل صباح این عهد نامه را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بعیرد خداوند جلشانه او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه او را هزار حسنه کرامت فرماید و هزار گناه او را بیامزد:

"اللهم ربَّ النُّورِ العَظیمِ و ربَّ الكرسيِّ الرَّفیعِ
و ربَّ البَحْرِ المَسجُورِ و مُنْزِلِ التَّوْرَةِ و الإنجیلِ
و الزبورِ و ربَّ الظلِّ و الحَرورِ و مُنْزِلِ القُرآنِ العَظیمِ
و ربَّ الملائکةِ المَقْرَبینِ و الانبیاءِ و المرسلینِ اللهم
انّی اسئَلُکَ بِوَجْهِکَ الکریمِ و بنورِ وَجْهِکَ المُنیرِ
و مَلِکِکَ القَدیمِ یا حیُّ یا قیُّومُ اسئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی
أَشْرَقَتْ بِهِنَّ السَّمَوَاتُ و الارضونَ و باسمِکَ الَّذِی یُصَلِّحُ

به الأولون والآخرون يا حيّ قبل كلّ حيّ و يا حيّ
بعد كلّ حيّ و يا حيّ حين لا حيّ يا محيي الموتى
و مميت الأحياء يا حيّ لا اله الا انت اللهم بلغ
مولانا الامام الهادي المهدي القائم بامرک صلوات
اللهم عليه وعلى ائمة الطاهرين عن جميع المؤمنين
والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها و سهلها و
و جبلها و برها و بحرها و عني و عني والیدی
و ولدی و اخواني من الصلوات زنة عرش الله و
مداد كلماته و ما احصاه علموا حاطة به كتابه اللهم
انني اجدد له في صبيحة يومي هذا و ما عشت من
ايام عهداً و عقداً " و بيعة له في عنقي لا حول
عنها ولا حول ابداً اللهم اجعلني من انصاره
و اعوانه و الذابین عنه و المسارعين في قضاء
حوائجه و الممتثلين لاوامره و نواهيها و المحامين
عنه و السابقين الي ارادته و المستشهمين بين
يديه اللهم فان حال بيني و بينه الموت الذي
جعلته على عبادك حتماً " مقضياً " فاخرجني من
قبري مؤتزرًا " كفني شأها " سيفي مجرداً " قناتي
ملبياً " دعوة الداعي في الحاضر و البادي
اللهم ارني الطلعة الرشيدة و الغرة الحميدة
واكحل ناظري بنظرة مني اليه و عجل فرجه و سهل
مخرجه و اوسع منهجه و اسلك بي محجته و اذامره
واشدد ازره و قوظهره و عمر اللهم به بلادك را حي
به عبادك فانك قلت و قولك الحق ظهر الفساد
في البر و البحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم

لَنَا وَلِيكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمَسْمُومِ بِاسْمِ
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
حَتَّى لَا يَظْفَرِ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ الْأَمْزَقِ وَيُحِقِّقَ الْحَقَّ
وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا " لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ
نَاصِرًا " لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا " غَيْرِكَ وَمَجْدِدًا " لِمَا
عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمَشِيدًا " لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ
دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ
اللَّهُمَّ مَعَنَ حَصْنَتِهِ مِنْ بَاسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسْرًا
نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا " صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَمَنْ
تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ آسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ
اَكْشِفْ هَذِهِ الْفُتْمَةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ - بِحُضُورِهِ وَعَجَلِ
لَنَا ظُهُورَهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا " وَنَرَاهُ قَرِيبًا " بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس سه مرتبه دست بر ران
راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی : الْعَجَلُ
يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ . (۱)

ختم کتاب

بچند غزل از انشاءات این عاصی در مدح
حضرت صاحب الامر علیه السلام
در وسائل و بحار از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که
فرمود:

" هر مؤمنی شعری در مدح ما بگوید عطاء میفرماید
حق تعالی به او در بهشت شهری که از هفت برابر
دنیا وسیعتر باشد و بزیارت او میرود در آنجا هر
پیغمبر مرسل و هر ملک مقربی:

غزل اول

ای بیا از یمن ذات هفت ارض و نه فلک
ایستاده چون غلامان بردرت خیل ملک
ریزه خوارخوان احسان تو خلق برو بحر
مرغها اندر سما و درته دریا سمک
چشمهای عاشقان خونبار شد از هجرتو
باز آ ای چشم عالم را بجای مردمک
تا که شد مجروح دلهای محبان از غمت
دشمنان باشند بر زخم دل آنها نمک

ظالما اضمرت احزانی وکاتمت الهوی

فی حبیب غاب عن عینی وقلبی قدمک

آن شهنشاهی که ذاتش مظهر عدل خداست

آنکه حبش کفر و ایمان را است معیار و محک

مالک ملک جهان فرمانده دنیا و دین

حامی شرع پیمبر ماحی طغیان و شک

عاشقان مردند در هجران و نامداران نگار

که شرمیگشتی خراب از این تطاول ای فلک

ای که جاء الحق بوصفت آمده اندر نبی

هان بیاتامض محل گردند اهل ریب و شک

کی شود بینم که بهر انتقام آئی برون

زانکه کرد از دختر ختم رسل غصب فدک

کی شود بینم جمال بی مثال انورت

تا بگویم شرح غمهای دل خود یک بیک

دوش میگردم شکایت از حسودان پیش دوست

در جوابم این ندا آمد که اللله معک

دست از دامان مهدی برونگیر ای تقی

قدنجی من امه من اعرض عنه هلک

غزل دوم

وقت آن آمد که آه و ناله را افزون کنم

عالمی فر از فراق یار خود دلخون کنم

گر بگویم همه وصف جمالش بهر خلق

عاقلان را از فراق طلعتش مجنون کنم

در نمایم وصف نور روی پاکش آشکار

سربزیر از شرمساری موسی عمیران کنم

و بر بگویم ذره‌ای از زهد او را در جهان
 منفعل عیسی زاهد بر سر گردون کنم
 آنکه احمد بر وجود او همیکرد افتخار
 من کیم تا نام و را با زبان مقرون کنم
 آنکه از رفعت بهردندش ملائک تاعرش
 منکه چون خاک زبونم مدح او را چون کنم
 مهدی صاحب زمان انمظهر عدل خدا
 کی توانم وصف ذات مظهر بیچون کنم
 شد دلم خون ز غم هجران و صبرم شد تمام
 خون دل باید ز راه دیدگان بیرون کنم
 شد رخم زرد از فراق روی آن سلطان دین
 روی خود باید ز آب چشم خود گلگون کنم
 عمر از کف رفت و ساز و برگی اندر کف نماند
 من به این بی برگ و سازی در قیامت چون کنم
 سوخت تومار عمل را آتش عصیان من
 اینزمان باید زمین را زاشک خود بیچون کنم
 با همه عصیان روم در روضه رضوان اگر
 مهدی صاحب زمان را دست بر دامان کنم
 ای تقی بس کن که گراینسان نعائی شرح غم
 بگذرم از اهل عالم روی در هامون کنم
 غزل سوم
 اینغائب از نظر نظری سوی ما فکن
 آشفته بین زغبت روی تو سرد و زن
 پوششیده نیست حالت افکار ما ز تو
 حاضر میان جمعی و غائب زانجمن

از بسکه دور گشت زمان ظهور تو
نزدیک شد که جان من آید برون زمن
گربش نوم ظهور تو را بعد مردنم
از شوق زهر خاک بدرم بتن کفر
از محنت زمانه و از جور روزگار
پابست غم نهانم و افسرده در علم
دارم نصیحتی زخرد یاد ای تقی
فارغ شوی ز غصه اگر بشنوی ز من
بگذر از این جهان که نیاید بکار تو
جز مهر حجه بن حسن شاهد ز من

غزل چهارم

ز دوری رخت ای پادشاه حسن و جمال
رسیده جان بلب عاشقان تعال
بذکر حسن تو کروبیان عالم قدس
یسبحون له بالغدو والاصال
امام مهدی هادی شهنشاه دو جهان
سعی ختم رسل ما حی رسوم ضلال
اگر زببان همه ممکنات بود مرا
نمیشدی که تو را گفت و صف شان و جلال
به پیش نور تو خورشید ذره موهوم
بوصف ذات تو گویندهگان تمامی ذلال
اگر نبود زمین وجود اقدس تو
بها نبود نه ارض و سماه ماه و نه سال
چنانچه نعمت حق هست از حساب برون
تو را برون ز حساب است علم و قدر و کمال

بیا بیا که همه عاشقان سراز سر شوق
بگف گرفته مهیا برای استقبـال
گذشت عر من و وصل تو نصیب نشد
مگر بخواب به بینم شبی زمان وصال
بعجز و لابه توان دید روی یار تقـی
بعجز گوش و بزاری مکن تو استقبـال
غزل پنجم

گرم نصیب شود یک نظر بروی حبیب
منثار او بنمایم در آن برغم رقیب
بهای خود اگر بوسه روا دارد
نهم بتارک شاهان قدم ز حشمت و ریب
غم فراق و دل پر زخون و اشک بصر
ما ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب
دلا بمعنت و غم صبر کن که بوده و هست
بهر نشیب فرازی و هر فراز نشیب
جهان بمهدی موعود گلستان گردد
در آن زمان که نماید ظهور با فروزیب
تقی تو را بدل از مهر او نهان باشد
مدار رنجده دل خود زهول و رهیب

غزل ششم
ما بجز ره عشق تو نیست هیچ طریق
اگر بوصل جمالت رسم ذهی توفیق
من خراب کجا و وصال یار کجا
چشان رسد پرکاهی بقعر بحر عمیق

مرا ز عشق مترسان که فاش میگویم
که نیست مقصد پروانه هیچ غیر حریق
بجز حدیث محبت هر آنچه گفته شود
تمام ضایع و باطل بود علی التحقیق
نگار ما چو گشاید دهان بوقت سخن
بود ز خاطر ما ذکر سلسبیل و رحیق
خرد بکنه کمالش کجا رسد هیئات
که غرقماند در این لجه فکرهای دقیق
تقی بکوشه، عزلت نشین و دم درکش
که یافت میشود یکنفر رفیق شفیق

ثم بید مؤلفه الجانی محمدتقی الموسوی الاصفهانی فی شهر
ربیع الثانی سنه ۱۳۳۲ .

بسم الله الرحمن الرحيم

این اشعار در مدح حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه
از جناب مستطاب عده الفضلاء الکرام اخ اعز ایمانی آقا میرزا محمد
باقر اصفهانی دام فضله العالی درج شد ، مؤلف :

حذا شاهی که چون فرمان شاهی برگشود
عالم ایجاد بر شاهنشاهی یکسر گرفت
و آن شهنشاه بلند اختر چومه روبرگشود
نور خورشید جمالش بحر و بر کشور گرفت
وز عدم چون پرنده ستراز جمالش برگشود
تافت نورش عرش حق از پرتوش زیورگرفت
چون کتاب فضل او را یکدمی حق برگشود
طینت حسنش در دو عالم ز اول و آخرگرفت
بلبل اساهردمی در ذکر حق لب برگشود
در طوافش فوج فوج املاک پر در بر گرفت
یکدمی در جلوه آمد پرده از رخ برگشود
عشق او سلطانی دل در تصرف بر گرفت

رو سوی او کرد تا دل دیده دل بر گشود
 مهر او چون جان شیرینش بجان در بر گرفت
 نور مهرش تافب بر دل دیده دل برگشود
 پرتوان شعله زد چون نارودل از برگرفت
 هر دمی شد تازه ذکرش گوش دل را برگشود
 حلقه شد بر گوش هوشش بندگی از سر گرفت
 چون ز روی مهرش او پرده یکدم برگرفت
 کرد تسخیر دو عالم ز آن بسر افسر گرفت
 شمع حسنش شد فروزان چون جمالش برگشود
 روح وریحان چون جنان خواهد بعالم برگرفت
 موی مشکین بوی خود را هر دم از هم برگشود
 روح وریحان چون جنان خواهد بعالم برگرفت
 چون هلال اساد و قوس ابروانش برگشود
 تیز مزگان کرد صید مرغ دل پرتو گرفت
 چونکه چشم نرگش یکدم از هم برگشود
 گوئیابرج جلالت درسا اختر گرفت
 گریبان غنچه وش اندر تنطق بر گشود
 نور عرفان تافت بر دلها و ظلمت برگرفت
 او دهانرا در تبسم هر که از هم برگشود
 در حلاوت از دل عشاق خود غم برگرفت
 گوشه چشمی زلف او بر کسی گریز گشود
 حیت شاهنشاهی او جمله بحر و بر گرفت
 دست جودش از تطف روبکس گریز گشود
 بی نیاز آمد که قارون خادمی بر در گرفت

روسوی احباب اگر او باب فتحی برگشود
 روحشان بردل زدو چون جان که در پیکر گرفت
 در مقامش بس که گرب در شفاعت برگشود
 دفتر عفو خطای عاصیان یکسر گرفت
 چون زغیب اید برون و پرده از رخ برگشود
 نور رویش در جهان خواهد که سر تا سر گرفت
 او بساط معدلت را هر دم از هر بر گشود
 قاف تا قاف جهان را نور عدلش بر گرفت
 چون لوای فتح خود برپا نمود و برگشود
 سطح عالم واهد از دم شوکت دیگر گرفت
 بسط حشت بر سریر اقتدار از بر گشود
 قهر او خواهد ز عالم جور و طغیان برگرفت
 گر لسان حجتش را بهر خصمان برگشود
 لال اید نطقشان پس خواهد از تن سر گرفت
 وز نیامش او کره را هر دم از هر برگشود
 نار قهرش شعله زد بر جان کفر آذر گرفت
 حاصل " چون پرده غیب از مهرخ برگشود
 کردش افلاک خواهد طرح تو از سر گرفت
 کی شود بینم که دست بیعتش بر گشود
 جبرئیلش اول آن باشد که بیعت بر گرفت
 کی ببینم نامه عهدی بسویش برگشود
 از نبی روح الامین پسرانشه نشه بر گرفت
 کی شود بینم که او فرمان عهدش برگشود
 دست خود بر صورت آرد شکر گفتن برگرفت

کی شود تا ذوالفقارش بشنوم لب برگشود
 گویدش قم یاولی الله پس او را بر گرفت
 کی شود بینم لوای فتح و نصرش بر گشود
 گرد او از جن و انس وز ملک صف برگرفت
 کی شود گربشنوم روح الامین لب بر گشود
 در نداز آن خواهد عالم شرش محشر گرفت
 کی شود تازان ندا بینم زدل غم برگشود
 ظلمت هجرش ز دل از نور وصلش برگرفت
 کی شود تا بر سرش بینم که ابری پرگشود
 زان ندا آمد که این مهدیست حشمت برگرفت
 کی شود بینم که اندر کعبه دستش برگشود
 درتضرع حال خود چون حالت مضطر گرفت
 کی شود بینم به استنصار خود لب برگشود
 ناله هل من معین با چشم گریان برگرفت
 کی شود بینم که حق ابواب فتحش برگشود
 اهل نصرش یک یکان چون برق جستن برگرفت
 کی شود بینم که لب درذکر فضلش برگشود
 گفتن من آدم و نوح و خلیلم بر گرفت
 کی شود بینم کتاب حق به منبر بر گشود
 بیعت طاعت زهر کس بهر حکمش برگرفت
 کی شود بینم که قفل از باب عملش بر گشود
 جمله احبابش بدل زان خط وافر برگرفت
 کی شود بینم که بسط حشمتش را بر گشود
 بر سریر کوفه آمد فرشاهی بر گرفت

کی شود بینم بمسجد رحل خود را برگشود
 یاوران روسوی او او روسوی داور گرفت
 کی شود بینم بمحرابش مصلی بر گشود
 شد صلوه جمعه وانکه پای بر منبر گرفت
 کی شود در خطبه بینم لب بمنبر برگشود
 در فصاحت گوئیا قرآن دیگر بر گرفت
 کی شود بینم که او لب درد عاجون برگشود
 صوت امین ملاک از عیش بالاتر گرفت
 کی شود بینم منادی در ندا لب بر گشود
 بهر موتی زان بهر یک روح بر پیکر گرفت
 کی شود بینم زهر قبری سری رخ برگشود
 یک یگان لبیک گو انا اجبنا بر گرفت
 کی شود بینم که چون او بسط امنش برگشود
 ظلمت نفرت ز عالم برد وحشت بر گرفت
 کی شود بینم که بسط حشمت خود برگشود
 بنده مسکین او در حضرتش محضر گرفت
 کی شود بینم که او چون کل جمالش برگشود
 بلبش از شوق وصلش پس نوا از سر گرفت
 کی شود بینم که رویش بر من و لب بر گشود
 گوش هوشم هر دمی از نطق او شکر گرفت
 کی شود بینم که رو بر رونقایش بر گشود
 بنده اش در شرح حال دل تکلم بر گرفت
 حمد حق تاز سعادت بر سرم پر بر گشود
 مرغ طبعم تا بمدح او پر بدن بر گرفت

حمد حق کو بلبل نطقم بمدحتش برگشود
هر دمی در عشق آن گل یکنوائی برگرفت
کی تواند لب بمدحت ای شهنشه برگشود
جز سراپد نکته راکز بیاننت برگرفت
هر که را حق صدر او را در ولایت برگشود
الحق او کام دو عالم بردو حاصل برگرفت
هر که راحق نطق او در مدحت ای شه برگشود
افسر شاهنشهی عالمی بر سر گرفت
بشنوم هر که کسی لب در دعایش برگشود
صوف آمین از ملائک گوش دل را برگرفت

تَمَّتِ الْأَشْعَارُ بِحَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِي جُمَادَى الثَّانِيَةِ سَنَةِ ١٣٣٤